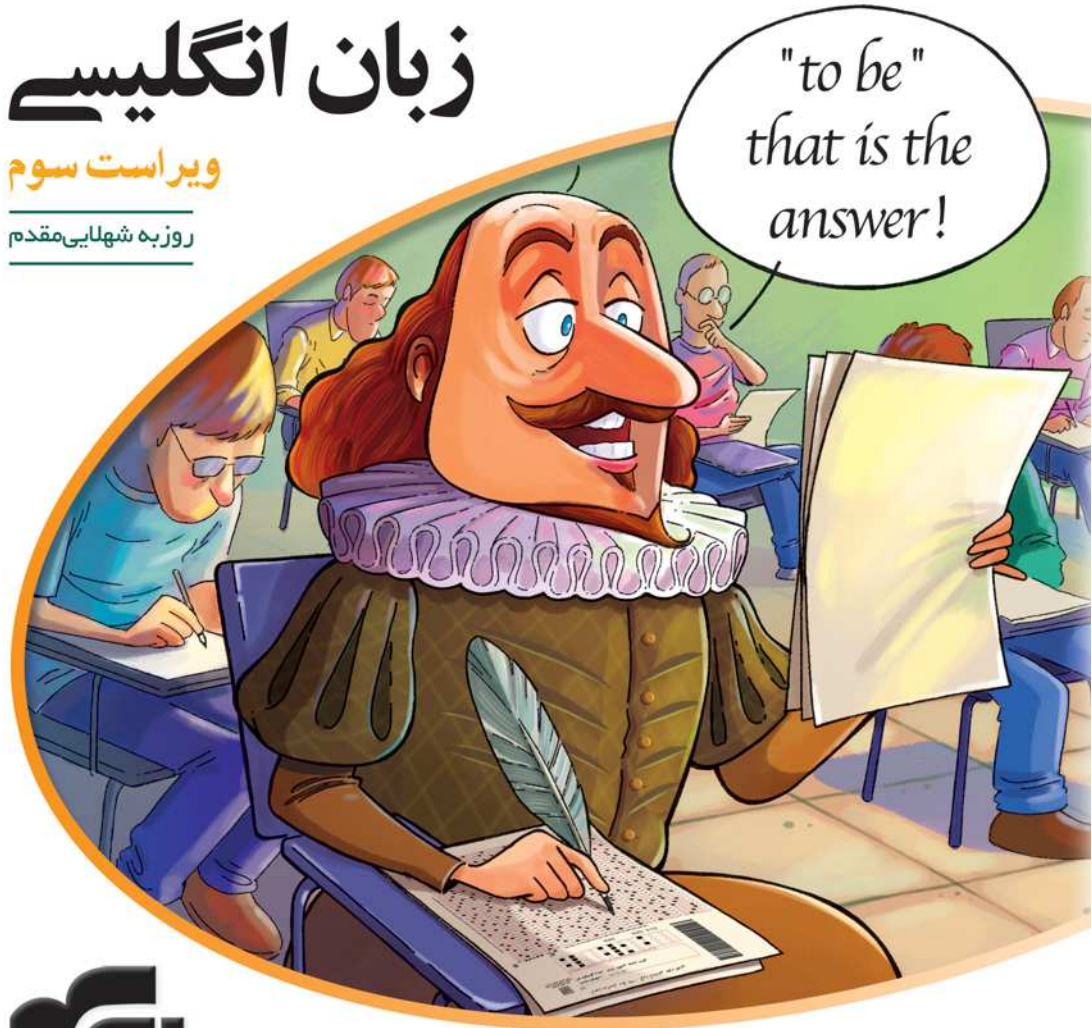


درس نامه + آزمون های مبحثی و جامع + پاسخ های تشریحی

موج آزمون زبان انگلیسی

ویراست سوم

روزبه شهلایی مقدم



انتشارات
نگو

همراه با کنکور سراسری ۹۹

دوستان خوبم سلام،

امیدوارم حال همگی خوب باشد.

بسیاری از شما عزیزان هنوز درس زبان انگلیسی را برای کنکور به طور جدی مطالعه نکرده‌اید و بسیاری هم اگرچه زمانی را صرف این درس کرده‌اند، اما دائم در این فکر هستند که کدام منبع می‌تواند در فرصت کوتاه و دوران طلایی باقی‌مانده تا کنکور به بهترین شکل این درس مهم را جمع‌بندی کند. واقعیت این است که آن منبع، شاید همین کتاب موج آزمون زبان انگلیسی باشد. روش تألیف کتاب نیاز هر دو گروه مذکور را به بهترین شکل برآورده می‌کند. اجازه دهید بخش‌های این کتاب را برایتان توضیح دهم. این کتاب شامل ۷ آزمون دهم، ۹ آزمون یازدهم، ۹ آزمون دوازدهم، ۵ آزمون جامع و ۱۴ آزمون جامع کنکور سراسری ۹۸ و ۹۹ (کلیه رشته‌ها) می‌شود. در ابتدای هر درس، واژگان مهم در قالب جدول آموزشی گردآوری شده و در ادامه تست‌های کنکورهای سراسری سال‌های قبل به ترتیب آمده است. در مرحله بعد، درسنامه گرامری مختصری در حد کتاب درسی ارائه شده که لازمه تسلط بر آن حل تست‌های جمع‌بندی گرامر بعد از هر درس‌نامه است. در انتها، آزمون‌های جمع‌بندی هر درس در قالب ۲۵ سؤال مشابه با کنکور سراسری قرار دارد. با حل این آزمون‌ها و بررسی پاسخنامه مفصل تشریحی، تمامی آنچه که برای درس مورد نظر نیاز دارید در اختیار شماست! در انتهای کتاب نیز شش ضمیمه مهم قرار داده‌ام:

۱- جدول واژگان و اصطلاحات بخش‌های شنیداری کتاب‌های درسی دهم تا دوازدهم

۲- جدول واژگان بخش‌های پنهان کتاب‌های درسی دهم تا دوازدهم

۳- جدول کلماتی از کتاب‌های درسی که در یک معنی قابل شمارش و در معنی دیگر غیرقابل شمارش هستند.

۴- آمار کنکور سراسری ۹۸ و ۹۹ (نظام جدید)

۵- واژگان مهم و خارج از کتاب کنکور سراسری ۹۸ و ۹۹ (نظام جدید)

۶- سوالات گرامر کنکور سراسری نظام قدیم ۹۸ و ۹۹ (مرتبط با موضوعات کتاب‌های درسی نظام جدید)

■ ویژگی‌های بارز این کتاب را که بی‌تردید برای شما مهم است ببینید:

۱- تمامی تست‌ها و درس‌نامه‌های ارائه‌شده در حد کتاب درسی هستند؛

۲- انواع سؤالات رایج بخش ری딩 در قالب ۳۰ آزمون تألیفی گردآوری شده؛

۳- در طراحی سؤالات و درس‌نامه‌های آموزشی، تمامی نکات مهم و سؤال‌انگیز کتاب کار آموزش و پرورش مد نظر قرار گرفته؛

۴- سؤالاتی از کنکورهای سال‌های گذشته (در هر ۴ بخش گرامر، واژگان، کلوز تست و ریڈینگ)، متناسب با محتوای کتاب‌های

تازه تألیف؛ به صورت موضوعی و هدفمند در سراسر کتاب پخش شده‌اند.

امیدوارم پس از مطالعه این کتاب آزمون کنکور را با آرامش کامل در درس زبان تجربه کنید.

به امید قبولی شما در رشته دلخواهتان در دانشگاه.

فهرست

● فصل اول: زبان انگلیسی دهم

- درس اول: Saving Nature ۲
- درس دوم: Wonders of Creation ۱۴
- درس سوم: The Value of Knowledge ۲۷
- درس چهارم: Traveling the World ۳۸

● فصل دوم: زبان انگلیسی یازدهم

- درس اول: Understanding People ۵۸
- درس دوم: A Healthy Lifestyle ۷۲
- درس سوم: Art and Culture ۹۱

● فصل سوم: زبان انگلیسی دوازدهم

- درس اول: Sense of Appreciation ۱۱۲
- درس دوم: Look it Up! ۱۲۷
- درس سوم: Renewable Energy ۱۴۴

● فصل چهارم: آزمون‌های جامع

- آزمون جامع ۱ (تألیفی) ۱۶۶
- آزمون جامع ۲ (تألیفی) ۱۶۹
- آزمون جامع ۳ (تألیفی) ۱۷۲

۱۷۵	آزمون جامع ۴ (تألیفی)
۱۷۸	آزمون جامع ۵ (تألیفی)
۱۸۱	آزمون جامع ۶ (ریاضی ۹۸)
۱۸۴	آزمون جامع ۷ (انسانی ۹۸)
۱۸۷	آزمون جامع ۸ (تجربی ۹۸)
۱۹۰	آزمون جامع ۹ (هنر ۹۸)
۱۹۳	آزمون جامع ۱۰ (زبان‌های خارجی ۹۸)
۱۹۶	آزمون جامع ۱۱ (خارج از کشور ۹۸)
۱۹۹	آزمون جامع ۱۲ (انسانی خارج از کشور ۹۸)
۲۰۲	آزمون جامع ۱۳ (ریاضی ۹۹)
۲۰۵	آزمون جامع ۱۴ (انسانی ۹۹)
۲۰۸	آزمون جامع ۱۵ (تجربی ۹۹)
۲۱۱	آزمون جامع ۱۶ (هنر ۹۹)
۲۱۴	آزمون جامع ۱۷ (زبان‌های خارجی ۹۹)
۲۱۷	آزمون جامع ۱۸ (خارج از کشور ۹۹)
۲۲۰	آزمون جامع ۱۹ (انسانی خارج از کشور ۹۹)

● فصل پنجم: پاسخ تشریحی تست‌های جمع‌بندی (درس‌نامه قسمت گرامر و رای‌تینگ)

۲۲۴	زبان انگلیسی دهم
۲۲۸	زبان انگلیسی یازدهم
۲۳۱	زبان انگلیسی دوازدهم

● فصل هشتم: پاسخ تشریحی آزمون‌ها

۲۳۶ زبان انگلیسی دهم

۲۵۵ زبان انگلیسی یازدهم

۲۸۰ زبان انگلیسی دوازدهم

۳۰۲ آزمون‌های جامع

۳۴۶ فصل هفتم: ضمیمه

۳۷۸ فصل هشتم: پاسخ‌نامه کلیدی

Sense of Appreciation

درس اول

لغات مهم کتاب درسی

accidentally (adv.)	تصادفاً	childhood (n.)	بچگی، کودکی، دوران بچگی
A.D. (abbr ¹ .) (Anno Domini)	بعد از میلاد	choose (v.)	انتخاب کردن
active (adj.)	فعال، (دستور زبان) معلوم	collocation (n.)	(زبان‌شناسی) هم‌نشینی، باهم‌آیی
addition (n.)	جمع، اضافه	combine (v.)	ترکیب کردن، ترکیب شدن
advice (n.)	نصیحت، توصیه	compound (adj. & n.)	(جمله) مرکب، ترکیب، مخلوط
again and again	بارها	confirm (v.)	تأیید کردن
agreement (n.)	توافق، موافقت	connecting (adj.)	رابط، ربط‌دهنده
along with	همراه با، به اضافه، در کنار	countless (adj.)	بی‌شمار، بی‌اندازه
aloud (adv.)	بلند، با صدای بلند	cry (v.)	گریه کردن
appreciation (n.)	قدردانی، درک، فهم	cure (n. & v.)	درمان، درمان کردن
as follows	به شرح زیر	dedicate (v.)	وقف کردن، اختصاص دادن به
author (n.)	نویسنده	dedicated (adj.)	متعهد، متعصب
belonging (n.)	(در شکل جمع) دارایی، تعلق	diary (n.)	دفتر خاطرات، دفتر یادداشت
blessing (n.)	رحمت، توفیق، برکت	diploma (n.)	دیپلم
boost (v.)	بالا بردن، افزایش دادن، تقویت کردن	discover (v.)	کشف کردن
bring up (phr v.)	تربیت کردن، بزرگ کردن	distinguish (v.)	تشخیص دادن، فرق گذاشتن، متمایز کردن
burst (v.)	ترکیدن، منفجر کردن	distinguished (adj.)	برجسته، ممتاز
burst into tears	ناگهان زیر گریه زدن	doer (n.)	انجام‌دهنده
by heart	از حفظ	either (det. ⁴ & pron.)	یا، هریک (از دو)
by the way (idi.)	راستی	elder (n. & adj.)	بزرگ‌تر
calmly (adv.)	به آرامی	elderly (adj.)	سالخورده، پیر
cancer (n.)	(بیماری) سرطان	elicit (v.)	(اطلاعات) بیرون کشیدن، به دست آوردن
care for (phr v.)	مراقبت کردن از، علاقه داشتن به	enjoyable (adj.)	لذت‌بخش
catch (v.)	گرفتن، (بیماری) دچار شدن	ethic (n.)	اخلاق، اصول اخلاقی
center (n.)	مرکز، وسط، کانون	feed (v.)	تغذیه کردن، غذا دادن به
chess (n.)	شطرنج	fix (v.)	تعمیر کردن

1- abbr: abbreviation مخفف

۲- در کنکور ۹۹، از اسم «care» به معنای «مراقبت، توجه» سؤال طرح شده بود.

۳- در کنکور ۹۹، از اسم «dedication» به معنای «تعهد، وفاداری» سؤال طرح شده بود.

4- det: determiner معرف (دستور زبان)

forgive (v.)	بخشیدن	passive (adj.)	دستور زبان) مجهول
found (v.)	تأسیس کردن، ایجاد کردن	pause (n. & v.)	مکث، مکث کردن
generate (v.)	تولید کردن	peaceful (adj.)	آرام، توأم با صلح
generation (n.)	نسل، تولید، نسل	physician (n.)	پزشک، طیب
go together	با هم همراه بودن، به هم خوردن	pigeon (n.)	کبوتر
grandchild (n.)	نوه	pity (n.)	ترحم، دلسوزی، مایهٔ تأسف
guideline (n.)	رهنمود، دستورالعمل	It's a pity!	چقدر حیف!
hard of hearing (adj.)	سنگین گوش	poetry (n.)	شعر، هنر شاعری
hate (n. & v.)	نفرت، نفرت داشتن از	principle (n.)	اصل، قاعده
hear of	اسم (کسی یا چیزی را) شنیدن	process (n.)	فرآیند، جریان
heritage (n.)	میراث	provide (v.)	تأمین کردن
hometown (n.)	وطن، میهن	quantity (n.)	کمیت، مقدار
hug (n. & v.)	آغوش، در آغوش گرفتن	rather than	به جای، به جای اینکه
identity (n.)	هویت	receive (v.)	دریافت کردن
inspiration (n.)	الهام	record (v.)	ثبت کردن، ضبط کردن
install (v.)	نصب کردن	regard (n. & v.)	توجه، ملاحظه، تلقی کردن
interestingly (adv.)	جالب است که	regarding (prep.)	در ارتباط با
kindly (adv.)	با مهربانی، لطفاً	religious (adj.)	مذهبی
kindness (n.)	مهربانی	repeatedly (adv.)	بارها و بارها، به کرات
kiss (n. & v.)	بوسه، بوسیدن	replace (v.)	جایگزین کردن، سر جای خود گذاشتن
lap (n.)	دامن، قسمتی از ران پا	reply (v.)	جواب دادن
location (n.)	محل، موقعیت	responsibility (n.)	مسئولیت
loving (adj.)	با محبت، عاشقانه	score (n. & v.)	(آزمون) نمره
lower (v.)	کم کردن، کم شدن	sense (n. & v.)	حس، احساس، حس کردن
meaningful (adj.)	بامعنی، معنی دار	sense of appreciation	حس قدرشناسی
moral (n. & adj.)	اخلاق، (در شکل جمع) اصول اخلاقی، اخلاقی	series (n.)	سری، مجموعه
most importantly	از همه مهم تر اینکه	shout (v.)	فریاد کشیدن
not surprisingly	تعجبی ندارد که	signal (n. & v.)	علامت، علامت دادن
object (n.)	شیء، (دستور زبان) مفعول	sofa (n.)	کاناپه
once (adv.)	روزی، یک زمانی، یک بار	solution (n.)	راه حل
on the other hand	از طرف دیگر	sometime (adv.)	زمانی، یک روزی
ordinary (adj.)	معمولی، عادی	sound (v.)	به نظر آمدن

spare (v.)	مضایقه کردن، دریغ کردن	textbook (n.)	کتاب درسی
spare no pains	از هیچ تلاشی مضایقه نکردن	tool (n.)	ابزار، وسیله
strength (n.)	قدرت، نیرو	uncertainty (n.)	عدم قطعیت، تردید
such (det. & pron.)	چنین، این طور، چنان، آن قدر	unnatural (adj.)	غیرطبیعی، غیرعادی
suddenly (adv.)	ناگهان	vase (n.)	گلدان
take a rest	استراحت کردن	what's wrong with you?	چت شده؟ چه شده است؟
tear (n.)	اشک	whereby (adv.)	که به موجب آن
teenager (n.)	نوجوان	while (n. & conj.)	مدت، در حالی که
temperature (n.)	دما	willing (adj.)	مایل، مشتاق
terrible (adj.)	وحشتناک، افتضاح	yet another	(برای تأکید) باز، مجدداً

لغات مهم کتاب کار

as (conj.)	چون، وقتی که	inform (v.)	مطلع کردن
cage (n.)	قفس	lack (n. & v.)	فقدان، نداشتن
cousin (n.)	فرزند خاله، عمه، دایی یا عمو	note (v.)	توجه کردن به
deserve (v.)	استحقاق داشتن	parrot (n.)	طوطی
duty (n.)	وظیفه، کار	present (adj.)	حاضر، فعلی
end in	ختم شدن به	robber (n.)	سارق
failure (n.)	شکست، ناکامی	steal (v.)	دزدیدن
fridge (n.)	یخچال	thus (adv.)	بنابراین
grateful (adj.)	قدردان	umbrella (n.)	چتر
gulf (n.)	خلیج	unconditionally (adv.)	بدون قید و شرط
handle (v.)	از عهده برآمدن، کار کردن با، (با دست) جابه‌جا کردن	unreal (adj.)	غیرواقعی
hence (adv.)	(از حالا) بعد، دیگر، بنابراین	within (prep.)	در، در محدوده
honor (n. & v.)	افتخار، احترام، گرمی داشتن، مفتخر ساختن		

تست‌های جمع‌بندی واژگان

- 1 When raw materials or foods are, they are changed in a suitable manner for a particular purpose. هنر ۸۶
 1) replaced 2) processed 3) managed 4) stored
- 2 In our family, the between father and his children is of high value. ریاضی ۹۰ - با تغییر
 1) measure 2) project 3) friendship 4) quantity
- 3 He wasn't dressed for the party. انسانی ۹۰
 1) mentally 2) suitably 3) usefully 4) continuously
- 4 She was forced to have with the secret police. خارج ۹۰ - با تغییر
 1) obligations 2) predictions 3) destinations 4) connections
- 5 A: Do you have any news about Ted for me? B: No, I haven't seen him ریاضی ۹۱ - با تغییر
 1) lately 2) calmly 3) commonly 4) suitably
- 6 My of books and magazines is nothing in comparison with that of a library. خارج ۹۱ - با تغییر
 1) collection 2) production 3) forgiveness 4) performance
- 7 This cloth has been slowly in order to make it waterproof. خارج ۹۱ - با تغییر
 1) welcomed 2) processed 3) researched 4) predicted
- 8 The President has been fully the recent advances. ریاضی ۹۳ - با تغییر
 1) compared with 2) located by 3) paid attention to 4) informed of
- 9 It is to assume that he knew beforehand that this would take place. تجربی ۹۳ - با تغییر
 1) regular 2) responsible 3) nervous 4) reasonable
- 10 I felt quite during the marriage ceremony. زبان ۹۳ - با تغییر
 1) economical 2) emotional 3) calligraphic 4) decorative
- 11 The sick man put his feet in cold water in the hope that it would help his body temperature. زبان ۹۳ - با تغییر
 1) rank 2) lower 3) predict 4) boost
- 12 A teacher often feels his students when they work hard and achieve something important. زبان ۹۴ - با تغییر
 1) proud of 2) bored with 3) certain of 4) worried about
- 13 When he said he was not to answer that particular question, we switched on to other questions quickly. ریاضی ۹۵
 1) calm 2) exact 3) willing 4) suitable
- 14 As the man is lazy and has no of responsibility, he does not work to make money for his family. ریاضی ۹۶
 1) sense 2) basis 3) habit 4) amount
- 15 I am tired of you; please don't complain about things you are not to work hard to change. خارج ۹۶
 1) willing 2) social 3) specific 4) responsible
- 16 She was good at covering emotions she didn't want to show, but he read them all and threw them back in her face. تجربی ۹۷
 1) carefully 2) seriously 3) normally 4) wisely

در جمله معلوم، ابتدا نهاد، سپس فعل و در ادامه مفعول^۱ و سایر اجزای جمله به کار می‌رود، اما در جمله مجهول مفعول در ابتدای جمله ظاهر می‌شود و نقش فاعل جمله مجهول را بازی می‌کند. جدول زیر را ببینید تا بهتر متوجه شوید:

زمان	جمله مجهول	شکل منفی جمله مجهول	شکل سؤالی جمله مجهول
حال ساده	The letter is sent .	The letter is not sent .	Is the letter sent?
گذشته ساده	The letter was sent .	The letter was not sent .	Was the letter sent?
حال کامل	The letter has been sent .	The letter has not been sent .	Has the letter been sent ?

تجو ۱

می‌توانیم انجام‌دهنده کار (یعنی فاعل جمله معلوم) را در ادامه جمله با حرف اضافه "by" (به وسیله، توسط) بیان کنیم:
 The car was found **by Roozbeh**.² ماشین توسط روزبه پیدا شد.
 اگر فاعل غیر انسان باشد و به خودی خود قادر به انجام کاری نباشد، به جای "by" از "with" استفاده می‌کنیم.
 Ehsan was killed **with a stone**. (NOT Ehsan was killed by a stone.) احسان با سنگ کشته شد.

تجو ۲

برای پرسش درباره فاعل جمله مجهول، ۲ حالت داریم:
معلوم: چه کسی موج آزمون را نوشت؟
Active: Who wrote Moj Azmoon?
مجهول: موج آزمون توسط چه کسی نوشته شد؟ یا توسط چه کسی موج آزمون نوشته شد؟
Passive: Who was Moj Azmoon written **by**? OR **By whom** was Moj Azmoon written?

تجو ۳

برخی افعال دومفعولی هستند؛ مثال:
 They told me a story. آن‌ها داستانی را به من گفتند.
 این افعال غالباً یک مفعول انسانی (مفعول غیرمستقیم یا همان متمم فارسی) و یک مفعول شیئی (مفعول مستقیم یا همان مفعول فارسی) دارند. پس دو شکل مجهول برای آن‌ها وجود دارد. یعنی یک‌بار مفعول غیرمستقیم اول جمله بیاید و یک‌بار مفعول مستقیم.
 I was told a story. = A story was told to me. داستانی به من گفته شد.
 فهرست این افعال در حد کتاب درسی عبارت‌اند از:

ask	پرسیدن	promise	قول دادن
buy	خریدن	sell	فروختن
give	دادن	send	فرستادن
lend	قرض دادن	show	نشان دادن
offer	پیشنهاد دادن	teach	آموزش دادن
pay	پرداخت کردن	tell	گفتن

۱- آیا هر فعلی مفعول‌پذیر است؟ حتماً جوابتان منفی است! جملات مجهول فقط برای افعال متعدی (افعالی که مفعول می‌پذیرند) تعریف می‌شوند. افعالی مثل "appear, arrive, die, live, sit" و... لازم هستند و نمی‌توانند در ساختار مجهول به کار روند.

۲- البته دقت کنید که اگر بخواهیم عامل انجام کار را به صورت ضمیر بیاوریم، فقط باید از ضمیر مفعولی استفاده کنیم. یعنی:

The car was found **by me**. (NOT ...by I.)

دنبالهٔ سؤالی (Question Tag)

به جمله‌های سؤالی کوتاهی که در انتهای یک جمله خبری می‌آیند، «دنبالهٔ سؤالی» می‌گویند. قبل از اینکه اساس شکل‌گیری آن‌ها را بدانید، اول دسته‌بندی افعال کمکی را بشناسید:

am, is, are, was, were	has, have, had
do, does, did	can, could, may, might, will, would, must, should

خُب! برای ساخت دنبالهٔ سؤالی:

- ۱) فعل کمکی جملهٔ اصلی را مجدداً بنویسید. اگر جمله مثبت بود، فعل کمکی را به صورت منفی بنویسید، ولی اگر منفی بود، شکل مثبت آن را بنویسید. دقت کنید فعل کمکی به صورت مخفف در می‌آید:
- He **can** sing well, **can't** he?
او می‌تواند به خوبی آواز بخواند، نمی‌تواند؟
- Sara **hasn't** passed the exam, **has** she?
سارا در آزمون قبول نشده است، شده است؟
- ۲) برای زمان‌های «حال ساده» و «گذشتهٔ ساده»، چون فعل کمکی نداریم، از «do, does, did» استفاده می‌کنیم:
- You recognized me, **didn't** you?
تو من را شناختی، مگر نه؟
- ۳) در صورت وجود عوامل منفی‌ساز مثل «no, nobody, no one, nothing, little, few, hardly, rarely, never» ساختار باز هم مثبت خواهد بود:
- You **never** loved him, **did** you?
تو هیچوقت او را دوست نداشتی، داشتی؟
- ۴) اگر فاعل جمله «this, that» باشد از ضمیر «it» و اگر «these, those» باشد، از «they» استفاده می‌کنیم:
- That** film was boring, **wasn't it**?
آن فیلم کسل‌کننده بود، نبود؟
- These** are beautiful flowers, **aren't they**?
گل‌های زیبایی هستند، نیستند؟
- ۵) اگر فاعل جمله «there» باشد، آن را تغییر نمی‌دهیم:
- There** was a big cat, **wasn't there**?
یک گربهٔ بزرگ وجود داشت، وجود نداشت؟
- ۶) برای ضمائر «anything, everything, something, nothing» از **it** و برای ضمائر «anybody, anyone, everybody, everyone» از **they** استفاده می‌کنیم:
- Nothing** bad happened, **did it**?
هیچ چیز بدی رخ نداد، داد؟
- Nobody** lives here, **do they**?
هیچکس اینجا زندگی نمی‌کند، زندگی می‌کند؟
- ۷) اگر جمله‌ای مرکب داشتیم، جملهٔ پایه را مبنای ساخت دنبالهٔ سؤالی قرار می‌دهیم (جملهٔ پیرو معنای ناقصی دارد و معمولاً همیشه دارای یک حرف ربط مثل «after, before, as, although, when, while, if, ...» است):
- She **phoned** while I was watching TV, **didn't** she?
هنگامی که من در حال تماشای تلویزیون بودم، او تلفن زد، نزد؟
جملهٔ پایه جملهٔ پیرو دنبالهٔ سؤالی
- She **didn't** notice the joke because she was a bit sleepy, **did** she?
چون کمی خواب‌آلود بود متوجه شوخی نشد، شد؟
جملهٔ پایه جملهٔ پیرو دنبالهٔ سؤالی
- اما اگر جملهٔ پایه شما با ضمیر «I» و افعالی مثل «I think, believe, feel, guess, (have) heard, (am) sure, suppose» ساخته شده باشد، جملهٔ پیرو مبنای قرار می‌گیرد:
- I've heard (that) he **is** sick, **isn't** he? (NOT I've heard he is sick, haven't I?) (Vision 2 – Page 32)
من شنیده‌ام که او بیمار است، نیست؟
جملهٔ پایه جملهٔ پیرو دنبالهٔ سؤالی

تست‌های جمع‌بندی گرامر

- 1) A pane of glass while the boys were playing in the street.
1) broken 2) was broken 3) has been broken 4) is broken
- 2) your tickets for the concert tomorrow paid for by you or your parents?
1) Be 2) Have 3) Were 4) Have been
- 3) About 71 percent of the Earth's surface by water, and oceans about 96% of all Earth's water.
1) was covered 2) covers 3) are covered 4) is covered

- 4 It that he has had an influence on many other chefs.
1) is claimed 2) claims 3) he claims 4) was claimed
- 5 It that it would be too costly to take the case to trial.
1) agreed 2) has agreed 3) was agreed 4) has been agreed
- 6 Because Saeed been banned from driving, he is unable to rent a car on holiday.
1) was 2) was being 3) has 4) having
- 7 Reza and Ali are having the lesson early tomorrow, ?
1) aren't Reza and Ali 2) aren't they 3) are Reza and Ali 4) are they
- 8 I don't think anyone will volunteer, ?
1) do I 2) do they 3) will they 4) will one
- 9 It's true that Ralph calls us quite rarely, but most students only call their parents when they need something, ?
1) do they 2) don't they 3) is it 4) isn't it
- 10 How can you think of marrying her? You've hardly known her for five minutes, ?
1) can't you 2) can you 3) haven't you 4) have you

برای پاسخ تشریحی تست‌های جمع‌بندی گرامر و رایتینگ به فصل ۵ رجوع شود.

1) 1 2 3 4

4) 1 2 3 4

7) 1 2 3 4

10) 1 2 3 4

2) 1 2 3 4

5) 1 2 3 4

8) 1 2 3 4

3) 1 2 3 4

6) 1 2 3 4

9) 1 2 3 4

درسنامه رایتینگ

حروف ربط همپایه‌ساز (Coordinating Conjunctions)

برای ترکیب کردن دو جمله ساده (جمله‌ای که یک فاعل و یک فعل دارد) و ساخت یک جمله مرکب (جمله‌ای که بیش از یک فعل و فاعل دارد) می‌توانیم از حروف ربط استفاده کنیم. در حد کتاب درسی، کافی است کاربرد ۴ حرف ربط "and, but, or, so" را فرا بگیریم:

حرف ربط همپایه‌ساز	مثال	کاربرد
and	We went to the park yesterday, and we had a wonderful time. دیروز به پارک رفتیم و زمان فوق‌العاده‌ای را گذرانیدیم.	بیان اطلاعات اضافی، دو عمل مشابه یا متوالی
but	The problem was confusing, but Tom could solve it. این مشکل گیج‌کننده بود، اما تام توانست آن را حل کند.	بیان تضاد و مقایسه
or	He can buy the book, or he can borrow it from the library. او می‌تواند کتاب را بخرد، یا می‌تواند آن را از کتابخانه قرض بگیرد.	بیان انتخاب بین دو مورد
so	Saeed studied hard for the exam, so he passed it. سعید برای امتحان سخت مطالعه کرد، بنابراین در آن پذیرفته شد.	بیان نتیجه‌گیری

PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 About 40 percent of the nation's Nobel Prize winners since 2000 abroad.
1) they bear 2) were born 3) that they bore 4) have been born
- 2 Information from various retail outlets and onto the database.
1) were collected – have been entered 2) were collected – entered
3) was collected – entered 4) was collected – has been entered
- 3 A: John isn't experienced enough to do this job, is he? B: No,
1) I think he is 2) I don't think he is 3) I think he has 4) I don't think he has
- 4 You may join the activities in the backyard, you may play inside.
1) so 2) or 3) but 4) and
- 5 Since we can get so much benefit from making our cities greener, we should no pains to do so.
1) forgive 2) grow 3) regard 4) spare
- 6 As you'll recall, I wanted to meet you, so I went backstage. This had never happened to me before and has never happened since! You opened the door, I tears and we fell into each other's arms.
1) lacked in 2) took care of 3) burst into 4) took the place of
- 7 Ajahn Brahm once said, "Everyone makes mistakes. The wise are not people who never make mistakes, but those who themselves and learn from their mistakes."
1) generate 2) forgive 3) translate 4) belong
- 8 Some government workers are and work hard, but most of them are just waiting to retire.
1) dedicated 2) destructive 3) economical 4) comfortable
- 9 If an elderly but scientist says that something is possible, he is almost certainly right; but if he says that it is impossible, he is very probably wrong.
1) exciting 2) distinguished 3) uninterested 4) surprised
- 10 Your forehead feels pretty warm to me; let me your temperature and see if you're running a fever.
1) add 2) do 3) take 4) make
- 11 The subtitles and captions are designed to help support the deaf or of hearing community, and even allow speakers to include a translation of a presentation.
1) afraid 2) proud 3) poor 4) hard
- 12 My son, who is a CEO, is very busy and, sadly but not, he doesn't call me very often.
1) seriously 2) hopefully 3) unconditionally 4) surprisingly

PART B: CLOZE TEST

Directions: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Lichen are one of the few kinds of life that can survive in the mountains of Antarctica. These tiny plants live in small holes in the rocks. Outside, the extreme cold and (13) wind prevent any life at all from surviving. Inside the holes, these lichen manage to find enough water and (14) to keep alive, even though they (15) much of the time. This fact means that the lichen (16) extremely slowly and live a very long time. Scientists believe that a lichen may remain alive for thousands of years. (17), the lichen may be among the oldest forms of life on Earth.

- 13 1) rapid 2) quick 3) strong 4) heavy
- 14 1) health 2) growth 3) strength 4) warmth
- 15 1) must freeze 2) have frozen 3) were frozen 4) are frozen
- 16 1) function 2) explain 3) receive 4) compound
- 17 1) If this is true 2) For being true 3) Although this is true 4) In order to be true

PART C: READING COMPREHENSION

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

Khawjeh Shams od-Din Muhammad Hafez was born in Shiraz sometime between the years 1310 and 1337. Very little reliable information is known about Hafez's life, particularly the early part. Judging from his poetry, he must have had a good education. It is said that, by listening to his father's recitations, Hafez had memorized the Holy Qur'an at an early age. Hafez also is believed to have known by heart the works of Molana, Sa'di, Attar, and Nezami.

As a young man, Hafez became a poet in the court of Abu Is'hak, which gave him fame and influence in his hometown. It is possible that Hafez also worked as a teacher in a Qur'anic school at this time. When Hafez was in his early thirties, Mubariz Muzaffar captured Shiraz and seems to have removed Hafez from his position. At the age of fifty-two, Hafez once again regained his position at court, and possibly received a personal invitation from Shah Shuja, who asked him to return. It is generally believed that Hafez died at age 69. His tomb is located in the Musalla Gardens of Shiraz, referred to as Hafezieh.

Themes of his Ghazals are the beloved, faith, and exposing hypocrisy. In his Ghazals, he deals with love, wine and tavern, which all represent ecstasy and freedom from restraint whether in actuality or in the voice of a lover speaking of divine love. His influence on the lives of Persian speakers can be found in "Hafez readings" (Fal-e Hafez) and the frequent use of his poems in Persian traditional music, visual art, and Persian calligraphy. His tomb attracts many visitors. Adaptations, imitations and translations of his poems exist in all major languages.

18 Hafez is said to have memorized the Holy Qur'an

- 1) after he'd become a well-known poet
- 2) while his father read it aloud
- 3) so that he'd be able to teach in Qur'anic schools
- 4) so as to gain a high position at court

19 Hafez is said to have memorized the poems of all the following poets EXCEPT

- 1) Ferdowsi
- 2) Attar
- 3) Nezami
- 4) Sa'di

20 When Muzaffar attacked Shiraz,.....

- 1) Hafez was 35 years old or less
- 2) He asked Hafez to keep his position
- 3) Shah Shuja was removed from power
- 4) Hafezieh was just being built

21 Hafezieh is where

- 1) poets read out their poems to Hafez
- 2) hafez's body was put into the ground
- 3) young Hafez worked as a gardener
- 4) most of the gardens of Shiraz are located

PASSAGE 2:

There is a big difference between the amount of sleep you can get by on and the amount you need to function optimally. According to the National Institutes of Health, the average adult sleeps less than seven hours per night. In today's fast-paced society, six or seven hours of sleep may sound pretty good. In reality, though, if you sleep that long, you are most probably not getting the sleep you need. Just because you're able to operate on six or seven hours of sleep doesn't mean you wouldn't feel a lot better and get more done if you spent an extra hour or two in bed.

While sleep requirements vary slightly from person to person, most healthy adults need between 7 to 9 hours of sleep per night to function at their best. Children and teenagers need even more. And despite the notion that our sleep needs decrease with age, most older people still need at least 7 hours of sleep. Since older adults often have trouble sleeping this long at night, daytime naps can help fill in the gap. ریاضی ۹۶

22 What is the main idea of the passage?

- 1) Differences in sleep patterns
- 2) Ways to improve our sleeping habits
- 3) The amount of sleep humans need
- 4) Reasons why we do not sleep enough

23 According to the passage, the appropriate number of hours of sleep for people

- 1) is on the rise in today's fast-paced society
- 2) is something between 6 to 7 hours per day
- 3) depends on their daily function
- 4) is not exactly the same

24 What does the author mean by "that long" in paragraph 1?

- 1) As much sleep as required
- 2) Six or seven hours of sleep
- 3) Longer than seven hours of sleep per night
- 4) The length of time you actually sleep in real life

25 With which of the following statements is the author more likely to agree?

- 1) All people need daytime naps these days.
- 2) As people age, they tend to sleep longer hours.
- 3) Today's society is a fast-paced one because people cannot function optimally.
- 4) Children and teenagers in general need more than 7 to 9 hours of sleep per day.

PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 My bike! I am going to call the police. هنر ۹۳
 1) stole 2) was stealing 3) has been stolen 4) was being stolen
- 2 Mona Lisa by Leonardo da Vinci as far as I زبان ۸۷
 1) was painted – know 2) was painted – am known
 3) has been painted – am known 4) has been painted – know
- 3 You'll be able to watch the children for half an hour while I fetch John from work,?
 1) don't I 2) don't you 3) won't you 4) won't I
- 4 I live in a flat on the top floor; I don't have a garden, I have a balcony.
 1) but 2) and 3) or 4) so
- 5 Their findings is that climate change endangers American agriculture, business and citizens. The solution is to rapidly adapt to a low-carbon, clean-energy economy that also would jobs and the economy.
 1) repeat 2) signal 3) relate 4) boost
- 6 James M. Barrie once said, "Love is not blind; it is an extra eye, which shows us what is most worthy of"
 1) peace 2) regard 3) moral 4) guide
- 7 A people's relationship to their is the same as the relationship of a child to its mother.
 1) reason 2) togetherness 3) success 4) heritage
- 8 You will come to see that a man learns nothing from winning. The act of losing, however, can great wisdom.
 1) replace 2) spare 3) elicit 4) attempt
- 9 A: Thank you for showing me around the city. You're a wonderful host.
 B: your flight is tomorrow. I could show you so much more!
 A: I will try to visit again soon.
 1) It sounds wrong to me 2) It's not surprising 3) It's a pity 4) It is so touching
- 10 She is hospitable. times she has given up her own food when an unexpected guest arrived at dinnertime.
 1) meaningful 2) famous 3) inspirational 4) countless
- 11 Tell her that Niloofer has always been a pleasure to have in the class, and how proud she should be of her because she has been with excellent manners and parental guidance.
 1) reflected on 2) brought up 3) waited for 4) thanked for
- 12 Friends are the most important part of your life. Treasure the tears, treasure the laughter, but most, treasure the memories.
 1) respectfully 2) surprisingly 3) importantly 4) unconditionally

PART B: CLOZE TEST

Directions: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Many scientists, including Charles Darwin, have wondered why we cry tears. (13) is the biological or evolutionary purpose of tears? We could just (14) cry without any tears falling, but, in fact, (15) Scientists have proposed many theories about tears, but none of these theories (16) In evolutionary terms, the reason for tears remains a mystery. But studies have (17) that you don't need to be a new parent or an emotional sports fan to cry even when you feel happy—you just have to have feelings, and a face.

- 13 1) What 2) Why 3) Which 4) That
- 14 1) besides 2) once 3) as well 4) hence
- 15 1) eyes filled with tears 2) filling eyes with tears
3) our tears in eyes fill with 4) our eyes fill with tears
- 16 1) is proving 2) is being proved 3) has been proven 4) proved
- 17 1) deserved 2) founded 3) honored 4) confirmed

PART C: READING COMPREHENSION

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

How often one hears children wishing they were grown up, and old people wishing they were young again. Each age has its pleasures and its pains, and the happiest person is the one who enjoys what each age gives him properly.

Childhood is a time when there are few responsibilities to make life difficult. A child finds pleasure in playing in the rain, or in the snow. But a child has his pain: He is not so free to do as he wishes as he thinks older people are.

When the young man starts to earn his own living, he becomes free from the discipline of school and parents. If he breaks the laws of society as he used to break the laws of his parents, he may go to prison. If, however, he works hard, keeps out of trouble, he can have the great happiness of seeing himself make steady progress in his job and of building up for himself his own position in society.

With old age should come wisdom and the ability to help others with advice wisely given. Old people can watch their children and their grandchildren growing up around them. They feel the happiness of having come through the battle of life safely and of having reached a time when they can lie back and rest, leaving others to continue the fight.

- 18 According to the passage, the happiest person is the one who
- 1) enjoys the time of his childhood
2) keeps out of trouble all through his life
3) starts to earn his own living
4) gets the most advantage of his age

- 19 Which of the following statements about old people is supported by the passage?
- 1) They are usually satisfied with their past. 2) They are not as wise as middle-aged people.
3) They have the same wishes as young people. 4) They like to have young friends.

- 20 According to the passage, it is true that
- 1) children are free to do as they wish
2) when one gets retired, one will be less troubled in the battle of life
3) children never taste the difficulties of life
4) one should fight as long as one is alive

- 21 According to the passage, young people
- 1) wish they were children
2) find pleasure in playing games
3) become free from the childhood discipline after finding a job
4) do not like the jobs their parents have

PASSAGE 2:

One of the most important decisions at the time when people grow up and become adults is what job or career to choose. However, with so many possibilities to choose from, this decision is often a difficult one to make. In addition, there are many factors that may influence an individual in the choice of a career and some of these may be conflicting. For example, family pressure, the potential for earning money, and one's own personal interest may all be factors that pull an individual in three different directions when trying to decide what career path to follow.

Although it is often stated that by the time a person is a young adult they will know what they want to "do with their life," in fact, the process of finding a career may take a long time. It is not uncommon for an individual to try more than one career before finding the one that leads to job satisfaction.

Clearly young adulthood is a period of stress. It is a time for raising a family, finding and maintaining the "right" job, and keeping a balance among self, family, job, and society at large. It is a period of life that requires great energy. Fortunately, in terms of physical development, we are at something of a peak during our 20s and 30s.

As Levinson (1986) has stated, "early adulthood is the era of greatest energy and abundance and of greatest contradiction and stress."

تجربی ۹۶

- 22 Why does the author mention "family pressure, the potential for earning money, and one's own personal interest," in paragraph 1?
- 1) To give examples of adult responsibilities
2) To explain why adults need to choose a career
3) To introduce some of the factors that influence an adult's choice of a career
4) To discuss the positive and negative effects of every career choice

- 23 The word "one" in paragraph 1 refers to
- 1) factor 2) career 3) decision 4) possibility

- 24 Which of the following is NOT true, according to the passage?
- 1) Early adulthood is a period in which adults undergo stress.
2) Individual young adults do not all exactly know what they want to do with their life.
3) Keeping a balance among self, family, job, and society can be a source of stress for young adults.
4) It is highly unlikely for a young adult to change jobs before he/she starts the one he/she really comes to love.

- 25 The passage is primarily intended to
- 1) inform 2) make a suggestion 3) introduce a finding 4) provide advice

PART A: GRAMMAR AND VOCABULARY

Directions: Questions 1-12 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 1 We do not have all the books that were requested; we are sending those are in stock.
1) which they 2) that which 3) that they 4) that
- 2 If a practical cure for cancer, we wouldn't have as many patients as today.
1) developed 2) are developing 3) were developed 4) have been developed
- 3 Television viewers are sometimes surprised to learn that natural history programmes are often a lot soap operas or films.
1) most popular 2) as popular as 3) more popular than 4) popular that
- 4 Choose the most natural word order.
1) Is the cinema usually open on Sundays? 2) Usually is the cinema open on Sundays?
3) Is the cinema open usually on Sundays? 4) Is usually the cinema open on Sundays?
- 5 Beethoven's Ninth Symphony will be the first in a of concerts at the new concert hall.
1) poetry 2) sense 3) series 4) tag
- 6 This young man a diary, and he gave an interview to a newspaper in which he explained how he came to convert himself to Islam.
1) made 2) kept 3) hated 4) noted
- 7 He stayed with me throughout the time I was in the hospital. !
1) Two heads are better than one 2) A friend in need is a friend indeed
3) Actions speak louder than words 4) Too many cooks spoil the broth
- 8 As my dad said, we have a/an to leave the world better than how we found it. And he also reminded us to be givers in this life, not takers.
1) exemplification 2) pollution 3) obligation 4) direction
- 9 Richard Louv once said that by letting our children us to their own special places we can rediscover the joy and wonder of nature.
1) lead 2) advise 3) bless 4) feed
- 10 We've discussed this problem every so often, but so far we've failed to with a solution.
1) figure out 2) end in 3) go through 4) come up
- 11 To me, this is a/an idea for a national program whereby young people would dedicate themselves to a year of community service
1) inspiring 2) unfamiliar 3) following 4) missing
- 12 Just days after the atomic bombings of Hiroshima and Nagasaki, Japan stops fighting, and World War II is over.
1) alphabetically 2) specially 3) indirectly 4) unconditionally

PART B: CLOZE TEST

Directions: Questions 13-17 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Exercise is defined as any movement that makes your muscles work and requires your body to burn calories. Although some types of exercise, including (13) in your home, may be good for your health, they may not be good for your children. (14) reports, each year, about 25,000 children in the United States are (15) by exercise equipment. The exercise bicycle is the most common (16) Many children (17) a finger or a toe in the wheels of these bicycles. So, if you have an exercise bicycle, you should not let your children play with it.

- 13 1) in exercising 2) exercising 3) to exercise 4) by exercising
- 14 1) Because of 2) Following 3) Besides 4) According to
- 15 1) hurt 2) risked 3) quit 4) rushed
- 16 1) injury caused by 2) cause of injury 3) cause of injured 4) being injured and caused
- 17 1) lost 2) must lose 3) have lost 4) were losing

PART C: READING COMPREHENSION

Directions: In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

PASSAGE 1:

Both men and women are living longer. However, women, on the average, live longer. In general, they can expect to live six or seven years more than men. The reasons for this are both biological and cultural.

One important biological factor that helps women live longer is the difference in hormones between men and women. Hormones are chemicals which are produced by the body to control various body functions. Between the ages of about 12 and 50, women produce hormones that are involved in fertility. These hormones also have a positive effect on the heart and the blood flow. In fact, women are less likely to have high blood pressure or to die from heart attacks.

The female hormones also protect the body in another way. They help the body to defend itself against some kinds of infections. This means that women generally get sick less often and less seriously than men. The common cold is a good example: women, on average, get fewer colds than men.

Women are also helped by their female genes. Scientists are still not exactly sure how genes influence aging, but they believe that they do. Some think that a woman's body cells have a tendency to age more slowly than a man's. Others think that a man's body cells have a tendency to age more quickly. Recent research seems to support both of these possibilities.

The cultural context can also influence life expectancy for men and women (life expectancy is the expected length of a person's life.) For example, women generally smoke cigarettes less than men.

Another factor that has influenced the lives of women is the lack of stress. Stress is well known to shorten lives. Until recently, women who worked were usually in less responsible, less stressful positions. At home, housework tends to keep women in better physical condition than men. This generally better physical condition is yet another factor in women's longer lives.

زبان ۹۵

- 18 What does the passage mainly discuss?
- 1) The role of hormones and genes in making women healthy
- 2) Physiological and cultural differences between men and women
- 3) The main reasons why women, on average, live longer than men
- 4) The reasons why modern society leads to men's and women's long life and good health

19 According to the passage, men are more likely than women to

- 1) die from serious diseases such as heart attacks
- 2) control body functions without the use of hormones
- 3) develop the necessary skills to manage job-related stress
- 4) turn to cigarette smoking as a means to handle their social problems

20 The word "they" in paragraph 4 refers to

- 1) women
- 2) genes
- 3) scientists
- 4) body cells

21 The passage provides enough information to answer which of the following questions?

- 1) Why do men live longer at present than in the past?
- 2) What is one reason why women are generally in better physical condition?
- 3) Why does women's body produce fertility-related hormones between 12 to 50 years of age?
- 4) Where were some research studies conducted to determine why women live a longer and healthier life than men do?

PASSAGE 2:

The invention of the incandescent light bulb by Thomas A. Edison in 1879 created a demand for a cheap, readily available fuel with which to generate large amounts of electric power. Coal seemed to fit the bill, and it fueled the earliest power stations (which were set up at the end of the nineteenth century by Edison himself). As more power plants were constructed throughout the country, the reliance on coal increased. Since the First World War, coal-fired power plants have accounted for about half of the electricity produced in the United States each year. In 1986, such plants had a combined generating capacity of 289,000 megawatts and consumed 83 percent of the nearly 900 million tons of coal mined in the country that year. Given the uncertainty in the future growth of nuclear power and in the supply of oil and natural gas, coal-fired power plants could provide up to 70 percent of the electric power in the United States by the end of the century.

Yet, in spite of the fact that coal has long been a source of electricity and may remain one for many years (coal represents about 80 percent of the United States' fossil fuel reserves), it has actually never been the most desirable fossil fuel for power plants. Coal contains less energy per unit of weight than natural gas or oil, it is difficult to transport, and it is associated with a host of environmental issues such as acid rain. Since the late 1960s, problems of emission control and waste disposal have sharply reduced the appeal for coal-fired power plants. The cost of ameliorating these environmental problems, along with the rising cost of building a facility as large and complex as a coal-fired power plant, has also made such plants less attractive from a purely economic perspective.

Changes in the technological base of coal-fired power plants could restore their attractiveness, however. Whereas, some of these changes are revolutionary and are intended mainly to increase the productivity of existing plants, completely new technologies for burning coal cleanly are also being developed.

22 What is the main idea of the passage?

- 1) Coal-fired power plants are an important source of electricity in the United States and are likely to remain so.
- 2) Generated electricity from coal is comparatively recent in the United States.
- 3) Coal is a more economical fuel than either oil or nuclear power.
- 4) Coal is a safer and more dependable fossil fuel than oil or gas.

23 It can be inferred from the passage that coal became the principal source of electricity in the United States because it

- 1) required no complicated machinery
- 2) was comparatively plentiful and inexpensive
- 3) was easy to transport
- 4) burned efficiently

24 In the author's opinion, the importance of coal-generated electricity could increase in the future for which of the following reasons?

- 1) The possible substitutes are too dangerous.
- 2) The cost of changing to other fuels is too great.
- 3) The future availability of other fuels is uncertain.
- 4) Other fuels present too many environmental problems.

25 The underlined word "consumed" in line 7 is closest in meaning to

- 1) used
- 2) decreased
- 3) prepared
- 4) deleted

توضیح: به حالت‌های مختلف جمله توجه کنید:

People claim that he has had an influence on many other chefs.

(معلوم)

It is claimed that he has had an influence on many other chefs.

(مجهول)

He is claimed to have had an influence on many other chefs.

(مجهول)

۵-گزینه ۳ ترجمه جمله: «موافقت شد (همگی موافق بودند) که بردن

پرونده به دادگاه بیش از حد هزینه دارد.»

توضیح: مشابه تست ۴، ساختار جمله مجهول است. اما با توجه به "would" که آینده در گذشته دارد، از زمان «گذشته ساده» استفاده می‌کنیم.

۶-گزینه ۳ ترجمه جمله: «چون سعید از رانندگی منع شده است،

نمی‌تواند در تعطیلات ماشین کرایه کند.»

توضیح: توجه کنید که برای مجهول کردن زمان‌های کامل (یعنی حال و گذشته کامل) از عنصر "been" بعد از "has, have, had" استفاده می‌کنیم.

۷-گزینه ۲ ترجمه جمله: «رضا و علی فردا صبح زود درس دارند، ندارند؟»

توضیح: فاعل دو شخص است، پس از ضمیر "they" استفاده می‌کنیم. فعل

مثبت "are" نیز به "aren't" تبدیل می‌شود.

۸-گزینه ۳ ترجمه جمله: «فکر نمی‌کنم کسی داوطلب بشود، مگر نه؟»

توضیح: برای ضمیر مبهم "anybody, someone, no one, anybody"

"somebody, nobody" از ضمیر "they" در دنباله سؤالی استفاده می‌کنیم. دقت

کنید به دلیل "I don't think" فعل بخش جای خالی به صورت مثبت خواهد بود.

۹-گزینه ۲ ترجمه جمله: «درست است که رالف خیلی به ندرت به ما

زنگ می‌زند، اما اکثر دانش‌آموزان فقط وقتی به والدینشان زنگ می‌زنند که چیزی

نیاز داشته باشند، این طور نیست؟»

توضیح: به موارد مشخص شده دقت کنید:

It's true that Ralph calls us quite rarely, but most students only call their parents when they need something, don't they?

۱۰-گزینه ۴ ترجمه جمله: «چطور می‌توانی به ازدواج با او فکر کنی؟ هنوز

پنج دقیقه هم او را نشناخته‌ای، شناخته‌ای؟»

توضیح: قید "hardly" منفی است، پس در دنباله سؤالی از فعل مثبت استفاده می‌کنیم.

درس ۱ پاسخ تست‌های جمع‌بندی رایتینگ

دوازدهم

۱-گزینه ۲ ترجمه جمله: «دوربینم دزدیده شد و تمام عکس‌های آخرین

سفرم را از دست دادم.»

توضیح: از حرف ربط "and" برای بیان دو عمل مشابه یا متوالی استفاده می‌کنیم.

سایر گزینه‌ها در این تست معنای مناسبی ندارند.

۲-گزینه ۲ ترجمه جمله: «از این به بعد اجازه ندارم که تو را ببینم، پس تو

دیگر نباید بیایی.»

توضیح: برای بیان نتیجه‌گیری از "so" استفاده می‌کنیم. ضمناً باید دقت کنید که

بعد از "so" فاعل قابل حذف نیست.

۲-گزینه ۲ ترجمه جمله: «آزمون هفته آینده سطح کلاسی شما را برای ترم

آینده تعیین می‌کند، پس حسابی درس بخوانید، خوب استراحت کنید و سعی

کنید که بهترین عملکردتان را داشته باشید.»

توضیح: بعد از فعل "try" به معنی «تلاش کردن» از مصدر با "to" استفاده می‌کنیم.

۳-گزینه ۳ ترجمه جمله: «می‌توانی فیلم را ببینی اگر که قول بدهی بعد از

آن) مستقیم به تخت خواب بروی.»

توضیح: بعد از "promise" فعل دوم به صورت مصدر با "to" به کار می‌رود.

۴-گزینه ۴ ترجمه جمله: «از وقتی بیست سالم شد، دویدن و رمان

خواندن به مدت بیست دقیقه در روز از فعالیت‌های روزمره من بوده‌اند.»

توضیح: با توجه به وجود دو فاعل "to jog" و "to read" از فعل جمع استفاده

می‌کنیم. ضمناً با توجه به بخش "since I was..." در جای خالی نیاز به زمان

«حال کامل» داریم.

۵-گزینه ۴ ترجمه جمله: «یادگیری مفهوم شرطی نوع اول آسان است و

اگر به اندازه کافی مطالعه کنید، می‌توانید سؤالات این بخش را پاسخ دهید.»

توضیح: بعد از "easy" (به عنوان صفت) از مصدر با "to" استفاده می‌کنیم.

دقت کنید گزینه (۳) صرفاً ترجمه شده از فارسی به انگلیسی است و معنای

مناسبی ندارد.

درس ۱ پاسخ تست‌های جمع‌بندی گرامر

دوازدهم

۱-گزینه ۲ ترجمه جمله: «هنگامی که پسرها در کوچه مشغول بازی بودند

شیشه یک پنجره شکسته شد.»

توضیح: فعل "break" متعدی است و چون مفعول بعد از آن به کار نرفته است،

وجه جمله مجهول است. ضمناً با توجه به زمان "were playing" صرفاً زمان

«گذشته ساده» درست است.

۲-گزینه ۳ ترجمه جمله: «آیا هزینه بلیط‌های برای کنسرت فردا توسط

تو داده شده بود یا والدینت؟»

توضیح: فعل "pay" متعدی است و ساختار جمله مجهول سؤالی است. در جای

خالی با توجه به جمع بودن اسم "tickets" از "were" استفاده می‌کنیم. بد

نیست بدانید بخشی از جمله که باعث طولانی‌تر شدن آن شده قابل حذف است.

به جمله زیر و بخش قابل حذف که در پرانتز قرار دادم دقت کنید. اگر این بخش

را کنار بگذارید، راحت‌تر به گزینه صحیح می‌رسید:

Were your tickets (for the concert tomorrow) paid for by you or your parents?

۳-گزینه ۴ ترجمه جمله: «حدود ۷۱ درصد از سطح کره زمین با آب پوشانده

شده است و اقیانوس‌ها حدود ۹۶ درصد از کل آب زمین را تشکیل می‌دهند.»

توضیح: فعل "cover" به معنی «پوشاندن» متعدی است و مفعول بعد از آن به

کار نرفته است. بنابراین، وجه جمله مجهول است. ضمناً جمله دلالت بر یک

وضع کلی در زمان حال دارد پس از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم. دقت کنید

"71 percent" مفرد است.

۴-گزینه ۱ ترجمه جمله: «ادعا می‌شود که او روی خیلی از آشپزهای دیگر

تأثیر داشته است.»

ترجمه متن ۱:

کارشناسان هنر هنگام خریدن تابلوهای نقاشی باید بسیار محتاط و هشیار باشند، چراکه فریب کاری در دنیای هنر بسیار معمول است. Overpainting (رویه کاری) تنها یکی از مشکلات زیادی است که مدیران موزه‌های هنری که مسئول خرید و ارزیابی آثار هنری هستند با آن مواجه‌اند. آن‌ها همچنین باید مراقب استفاده نادرست از نام هنرمندان معروف، نسخه‌های جعلی، یا حتی اجزایی از تابلوهای نقاشی باشند که به عنوان اثری کامل فروخته می‌شوند.

Overpainting که رایج‌ترین مشکل است از این حقیقت به وجود می‌آید که اغلب آثار هنری قدیمی‌تر به اندازه زیادی تغییر کرده‌اند. وقتی که یک تابلوی نقاشی با دقت و بر اساس طراحی اصلی هنرمند مرمت یا تعمیر می‌گردد، به آن inpainting (پوشیده کاری) گفته می‌شود، اما وقتی این تعمیرات باعث تغییر ماهیت اثر با هدف بازارپسندتر کردن و با ارزش‌تر جلوه دادن آن شود، به آن overpainting می‌گویند. با این حال، امروزه دانش مدرن، به کمک خریداران آثار هنری می‌آید. نور فرابنفش و دستگاه‌های اشعه ایکس می‌تواند این دستکاری‌ها را تشخیص دهد. نوع دیگری از فریب کاری، که البته کمتر اتفاق می‌افتد قرار دادن نام یک هنرمند مشهور روی یک نقاشی نامرغوب و ضعیف است: کاری که در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بسیار پرتکرار بود، آن هم وقتی که سطح دانش هنری در ایالات متحده خیلی بالا نبود و خریداران آمریکایی به راحتی فریب دلالان هنری اروپایی را می‌خوردند. علاوه بر این نوع فریب کاری‌ها، کپی‌های تابلوهای نقاشی معروف گاهی به عنوان آثار هنری اصل فروخته می‌شوند، چرا که برخی استادان قدیمی یک منظره معروف را چند بار نقاشی می‌کردند. اگر خوب می‌فروخت یا شاگردانشان کارهای بهتر آن‌ها (استادانشان) را کپی می‌کردند تا تمرین استایل و تکنیک کنند. علاوه بر این، دلالانی وجود دارند که یک نقاشی را به دو نیم یا چهار قسمت تقسیم می‌کنند، چرا که فروختن چهار نقاشی کوچک نسبت به فروختن یک نقاشی بزرگ برای آن‌ها بسیار پرسودتر است.

۱۸-گزینه ۲) ایده اصلی متن چیست؟ «تقلب در دنیای هنر و راه‌های مختلف آن».

۱۹-گزینه ۳) معنای inpainting چیست؟ «تعمیر یک نقاشی بر اساس طراحی اصلی هنرمند».

۲۰-گزینه ۱) در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ آمریکایی‌ها به راحتی فریب دلالان هنری اروپایی را می‌خوردند، زیرا «دانش هنری نداشتند».

۲۱-گزینه ۳) مرجع ضمیر it که در بند آخر زیرش خط کشیده شده است به نقاشی «یک منظره معروف» اشاره دارد.

ترجمه متن ۲:

تلویزیون به حدی رواج پیدا کرده است که اکنون بسیاری از کودکان بریتانیایی آن را با دیگر فعالیت‌هایشان، از جمله فعالیت در شبکه‌های اجتماعی پیوند زده‌اند؛ یعنی از صفحه نمایش لپ‌تاپشان به صفحه تلویزیون نگاه می‌کنند و دوباره سراغ لپ‌تاپشان می‌روند. با اینکه آن‌ها بر روی تماشای تلویزیون تمرکز دارند، افراد جوان اینک مایل نیستند که تنها یک برنامه را دنبال کنند؛ به ویژه پسران اغلب کانال‌ها را تغییر می‌دهند تا دو برنامه را به صورت هم‌زمان دنبال کنند. تحقیقات انجام‌شده توسط آژانس تحقیقات بازار Childwise، نگرانی‌ها را در این باره افزایش می‌دهد که دوران کودکی به نحو روبه‌رشدی به حریم خصوصی و فعالیت‌های بدون تحرک مربوط می‌شود و کمتر دربرگیرنده بازی، تعاملات اجتماعی و یا تخیلات خود کودک است.

«طرح کودکان» اخیر دولت روی بهبود امکانات تفریحی به عنوان وسیله‌ای برای تضمین زندگی متعادل‌تر برای جوانانی که زمان زیادی را به تماشای تلویزیون می‌پردازند تمرکز کرده است. یافته‌های تحقیقات کنونی نشان می‌دهد که میزان تماشای تلویزیون پس از سه سال کاهش در بین کودکان دوباره رو به افزایش است. این موضوع عمدتاً به این دلیل است که دختران بیشتری سریال‌های تلویزیونی تماشا می‌کنند.

استفاده از اینترنت نیز به سرعت در حال افزایش است. این یعنی کودکان بریتانیایی به‌طور میانگین پنج ساعت و بیست دقیقه از وقت‌شان در طول روز را جلوی صفحه نمایش سپری می‌کنند؛ رقمی که بیش از پنج سال پیش چهار ساعت و چهل دقیقه بود. از طرف دیگر، مطالعه تفریحی (غیردرسی) به عنوان یک سرگرمی معمولی، همچنان در حال کاهش است. اگرچه از هر پنج کودک چهار کودک در زمان فراغت مطالعه می‌کنند، اما تنها یک‌چهارم این کار را به صورت روزانه و ۵۳٪ حداقل یک‌بار در هفته انجام می‌دهند.

۲۲-گزینه ۱) اساساً متن به بحث در مورد چه موضوعی پرداخته است؟ «گسترش عادات بد بین کودکان».

۲۳-گزینه ۲) طبق متن، کدام یک از موارد زیر یک روند نزولی بین کودکان داشته است؟ «تعاملات اجتماعی».

۲۴-گزینه ۱) طبق متن، کدام از موارد زیر غلط است؟ «تماشای تلویزیون در طی ده سال اخیر در حال کاهش بوده است».

۲۵-گزینه ۴) کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل نقش (کارکرد) عملکرد پاراگراف (۳) را در رابطه با پاراگراف‌های (۱) و (۲) نشان می‌دهد؟ «نکات مطرح‌شده در آن پاراگراف‌ها را بیشتر تصدیق می‌کند».

پاسخ آزمون ۱۷

۱-گزینه ۲) ترجمه جمله: «تقریباً ۴۰ درصد از برندگان جایزه نوبل کشور از سال ۲۰۰۰ در خارج از کشور متولد شده‌اند».

توضیح: ترکیب "to be born" (به معنای متولد شدن) متعدی است. دقت کنید که به دلیل ویژگی فعل مورد نظر (عمل متولد شدن در گذشته انجام شده) زمان گذشته ساده درست است. دقت کنید که خود ریشه این ترکیب، یعنی فعل "bear" به معنای «به دنیا آوردن» است. یک مثال ببینید:

She might never be able to bear children.

او شاید هرگز قادر به به دنیا آوردن فرزند نباشد.

۲-گزینه ۳) ترجمه جمله: «اطلاعات از بازارهای مختلف خرده فروشی جمع‌آوری شدند و به پایگاه داده وارد شدند».

توضیح: اسم "information" غیر قابل شمارش است، پس فعل آن همیشه مفرد است. ضمناً، به دلیل وجود حرف ربط همپایه‌ساز "and"، دو فعل قبل و بعد دارای ساختار موازی هستند. دقت کنید که قبل از فعل دوم "was entered" حذف شده است (حذف به قرینه).

۳-گزینه ۲) ترجمه جمله: «A: جان برای انجام این کار به اندازه کافی باتجربه نیست، هست؟ B: نه، من فکر نمی‌کنم باشد».

توضیح: با توجه به جواب منفی "no"، در پاسخ باید از "I don't think" استفاده کنیم. ضمناً به دلیل وجود "isn't" در جمله اول، گزینه‌های (۳) و (۴) نادرست هستند.

۴-گزینه ۲) ترجمه جمله: «شما می‌توانید به فعالیت‌های در حیات خلوت بپیوندید، یا می‌توانید در داخل بازی کنید».

توضیح: با توجه به کاربرد «اجازه دادن» فعل وجهی "may" و وجود دو انتخاب، از حرف ربط "or" استفاده می‌کنیم.

۵-گزینه ۴) ترجمه جمله: «از آنجایی که ما می‌توانیم از سبزتر ساختن شهرهایمان سود بسیاری ببریم، ما باید برای انجام این کار از هیچ تلاشی مضایقه نکنیم».

dedicate (v.) اختصاص دادن. وقف کردن

The actress now **dedicates** herself to children's charity work.
بازیگر زن اکنون خود را وقف کار خیریه کودکان می‌کند.

dedicated (adj.) متعهد، متعصب

She is a **dedicated** socialist. او یک سوسیالیست متعصب است.

۹-گزینه ۲ ترجمه جمله: «اگر دانشمندی سالخورده اما برجسته می‌گوید که چیزی امکان پذیر است، او تا حد زیادی درست می‌گوید؛ اما اگر او می‌گوید که کاری غیرممکن است، به احتمال زیاد اشتباه می‌کند.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱ هیجان‌انگیز / ۲ برجسته / ۳ بی‌علاقه / ۴ متعجب

distinguish (v.) وجه تمایز قائل شدن، تشخیص دادن

The factor that **distinguishes** this company from the competitors is customer service.

عاملی که این شرکت را از رقبایش تمایز می‌دهد، خدمات مشتری است.

I have trouble **distinguishing** between the two of them.

من در تشخیص دو تا از آن‌ها مشکل دارم.

distinguished (adj.) برجسته، فرهیخته

He was known as a **distinguished** university professor, too. (Vision 3 – Page 20)

او همچنین به عنوان استاد دانشگاه برجسته شناخته شده بود.

۱۰-گزینه ۳ ترجمه جمله: «پیشانی شما برای من نسبتاً گرم است؛ اجازه

بدهید دمای بدنتان را بگیرم و بینم تب دارید یا نه.»

ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱ اضافه کردن / ۲ انجام دادن / ۳ گرفتن / ۴ ساختن

take sb's temperature دمای بدن کسی را گرفتن

While the nurse is **taking her temperature**, they start talking. (Vision 3 – Page 19)

درحالی که پرستار دمای بدن او را می‌گیرد، آن‌ها شروع به صحبت می‌کنند.

۱۱-گزینه ۴ ترجمه جمله: «زیرنویس‌ها و عنوان‌ها برای کمک به حمایت از

جامعه ناشنواها یا کم‌شنواها طراحی شده‌اند و حتی به سخنرانان اجازه می‌دهند تا ترجمه یک سخنرانی را نیز در آنجا قرار بدهند.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱ ترسیده / ۲ مغرور / ۳ ضعیف / ۴ سخت

hard of hearing کم‌شنوا

We have to speak louder, because my grandmother is **hard of hearing**. (Vision 3 – Page 21)

ما مجبوریم بلندتر صحبت کنیم، زیرا مادربزرگ من کم‌شنوا است.

۱۲-گزینه ۴ ترجمه جمله: «پسر من، که یک مدیرعامل است، بسیار

مشغول است و متأسفانه، اما نه تعجب‌آور، او اغلب با من تماس نمی‌گیرد.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱ به‌طور جدی / ۲ امیدوارانه / ۳ بی‌قید و شرط / ۴ تعجب‌آور

توضیح: به تست ۱۷ از آزمون شماره ۱۵ توجه کنید.

ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱ بخشیدن / ۲ رشدکردن / ۳ ملاحظه کردن / ۴ مضایقه کردن، چشم‌پوشی کردن

spare (v.) مضایقه کردن، چشم‌پوشی کردن، اختصاص دادن

No one knows why the gunman shot some people and **spared** others.

هیچ‌کس نمی‌داند که چرا مرد مسلح بعضی‌ها را کشت و از کشتن دیگران صرف‌نظر کرد.

Can you **spare** (me) a few minutes?

ممکن است چند دقیقه (از وقت را) به من اختصاص دهی؟

spare no pains/effort از هیچ تلاشی مضایقه نکردن

Dr. Gharib was also a generous man. He **spared no pains** to cure sick children. (Vision 3 – Page 19)

دکتر غریب نیز یک مرد سخاوتمند بود. او برای درمان کودکان مریض از هیچ تلاشی مضایقه نکرد.

۶-گزینه ۳ ترجمه جمله: «همان‌طور که به یاد خواهی آورد، من می‌خواستم

ملاقات کنم، بنابراین به پشت صحنه رفتم. این (اتفاق) قبلاً و تا به حال هرگز برای من اتفاق نیفتاده بود! تو در را باز کردی. من ناگهان به گریه افتادم و ما در آغوش یکدیگر افتادیم.»

ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱ فاقد... بودن / ۲ مراقبت کردن / ۳ ناگهان به گریه افتادن / ۴ جای گرفتن، جایگزین شدن

burst (v.) ترکیدن، منفجر کردن، ناگهان اتفاقی افتادن

The balloon **burst**. بالون ترکید.

burst into tears: to cry suddenly ناگهان به گریه افتادن

Aida **burst into tears** when she saw her score.

(Vision 3 – Page 23)

آیدا وقتی نمره‌اش را دید، ناگهان به گریه افتاد.

۷-گزینه ۲ ترجمه جمله: «آژان برام یکبار گفت: «هرکسی اشتباه می‌کند. عاقل

کسانی نیستند که هرگز اشتباه نمی‌کنند، بلکه کسانی هستند که خودشان را می‌بخشند و از اشتباهاتشان درس می‌گیرند.»

ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱ تولید کردن / ۲ بخشیدن / ۳ ترجمه کردن / ۴ تعلق داشتن

forgive (v.) بخشیدن

forgive: to stop being angry with someone خشمگین نبودن از کسی

Mom **forgave** me for breaking the vase. (Vision 3 – Page 23)

مادر، من را برای شکستن گلدان بخشید.

forgiveness (n.) بخشش

It was a terrible sin, she said, which means we've got to pray for **forgiveness**.

او گفت این یک گناه وحشتناک است و این حرف یعنی ما باید برای بخشش دعا کنیم.

۸-گزینه ۱ ترجمه جمله: «برخی کارگران دولتی متعهد هستند و سخت کار

می‌کنند، اما اکثر آن‌ها فقط منتظر بازنشستگی هستند.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱ متعهد / ۲ مخرب / ۳ اقتصادی / ۴ راحت

ترجمه کلوز تست:

گل‌سنگ‌ها یکی از انواع نادر حیات هستند که می‌توانند در کوهستان‌های جنوبگان زنده بمانند. این گیاهان کوچک در حفره‌های ریزسنگ‌ها زندگی می‌کنند. در بیرون، سرمای شدید و بادهای شدید^(۱۳) به‌طور کلی از زنده ماندن هر موجود زنده‌ای جلوگیری می‌کند. در درون حفره‌ها، این گل‌سنگ‌ها می‌توانند آب کافی و گرما^(۱۴) پیدا کنند تا زنده بمانند، با این وجود که بسیاری اوقات یخ‌زده هستند^(۱۵). این حقیقت به این معناست که گل‌سنگ به شدت کند عمل می‌کند^(۱۶) و بسیار طولانی عمر می‌کند. دانشمندان اعتقاد دارند که گل‌سنگ می‌تواند هزاران سال زنده بماند. اگر این درست باشد^(۱۷)، گل‌سنگ ممکن است جزء قدیمی‌ترین گونه‌های حیات در زمین باشد.

۱۳- گزینه ۳ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) تند (۲) سریع (۳) شدید، قوی (۴) سنگین

توضیح: به‌هم‌آیی‌های "strong wind" و "heavy rain" که در متن درس ۱ دوازدهم نیز آمده‌اند توجه کنید.

۱۴- گزینه ۴ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) سلامتی (۲) رشد (۳) قدرت (۴) گرما

۱۵- گزینه ۴

توضیح: فعل "freeze" در اینجا متعدی است و مفعول بعد از آن به کار نرفته است. بنابراین، وجه جمله مجهول است. ضمناً چون تست اشاره به یک وضعیت کلی دارد، از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

۱۶- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) عمل کردن (۲) توضیح دادن (۳) دریافت کردن (۴) ترکیب شدن

توضیح: به تست ۹ از آزمون شماره ۱۰ رجوع کنید.

۱۷- گزینه ۱ توضیح: به معنای گزینه‌ها و ارتباط آن‌ها با جمله قبل و بعد از جای خالی توجه کنید.

ترجمه متن ۱:

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ در بین سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۳۷ در شیراز متولد شد. اطلاعات قابل اعتماد بسیار کمی در مورد زندگی حافظ در دست است، به خصوص دوران اولیه زندگی‌اش. با قضاوت از روی شعرهایش، احتمالاً باید تحصیلات خوبی داشته باشد. گفته شده است که با گوش دادن به تلاوت‌های پدرش، حافظ کتاب قرآن کریم را در سنین پایین حفظ کرده است. همچنین معتقدند که حافظ آثار مولانا، سعدی، عطار و نظامی را از بر بوده است. به عنوان یک مرد جوان، حافظ شاعر دربار ابوسحاق شد که در شهر خودش شهرت و نفوذ نصیب او کرد. ممکن است که حافظ در آن زمان به عنوان معلم در مدرسه قرآنی کار کرده باشد. وقتی حافظ در اوایل دهه سی‌سالگی‌اش بود، «مبارز مظفر» شیراز را تسخیر کرد و ظاهراً حافظ را از شغلش برکنار کرد. در سن ۵۲، حافظ بار دیگر موقعیتش را در دربار پس گرفت و احتمالاً یک دعوتنامه شخصی از شاه شجاع دریافت کرده باشد که از او خواست بازگردد. عموماً باور دارند که حافظ در سن ۶۹ سالگی فوت کرد. آرامگاه او در باغ‌های مصلی شیراز واقع شده است که به آن حافظیه گفته می‌شود. موضوع غزلیات او درباره عشق، ایمان و توضیح ریاکاری است. او در غزلیاتش از عشق، می و میخانه استفاده می‌کند که همه نشان‌دهنده شور و هیجان و آزادی از بندها است، چه در واقعیت و چه از زبان یک عاشق که از معشوق الهی سخن می‌گوید. تأثیرگذاری او در زندگی فارسی‌زبانان در «فال حافظ» و استفاده پر تعداد از اشعار او در موسیقی سنتی فارسی، هنرهای تجسمی و خطاطی فارسی یافت می‌شود. آرامگاه او پذیرای بازدیدکنندگان بسیاری است. اقتباس‌ها، تقلیدها و ترجمه‌های اشعار او در تمامی زبان‌های اصلی وجود دارد.

۱۸- گزینه ۲ گفته می‌شود که حافظ کتاب مقدس قرآن را حفظ کرد «هنگامی که پدرش آن را با صدای بلند می‌خواند.»

۱۹- گزینه ۱ گفته می‌شود که حافظ اشعار تمامی شعرای زیر را از حفظ بوده است، به جز «فردوسی.»

۲۰- گزینه ۱ وقتی مظفر به شیراز حمله کرد «حافظ ۳۵ سال یا کمتر سن داشت.»

۲۱- گزینه ۲ حافظیه جایی است که «حافظ در آن دفن شده است.»

ترجمه متن ۲:

تفاوت بزرگی وجود دارد میان میزان خوابی که می‌توانید داشته باشید و میزان خوابی که بایستی برای عملکرد بهینه داشته باشید. طبق گفته موسسه ملی بهداشت، یک فرد بالغ معمولی هر شب کمتر از هفت ساعت می‌خوابد. در جامعه پرسرعت امروزی، شش یا هفت ساعت خواب ممکن است خیلی خوب به نظر برسد. اما در حقیقت، اگر بتوانید به این میزان بخوابید، به احتمال خیلی زیاد به اندازه‌ای که نیاز دارید نخوابیده‌اید. اینکه با شش یا هفت ساعت خواب می‌توانید فعالیت داشته باشید به این معنا نیست که اگر یک یا دو ساعت بیشتر در تخت خواب می‌گذرانید احساس خیلی بهتری نمی‌کردید. با اینکه نیاز به خواب از فرد به فردی دیگر اندکی تفاوت دارد، اغلب بزرگسالان سالم به ۷ الی ۹ ساعت خواب در شبانه‌روز نیاز دارند تا بتوانند بهترین عملکرد را داشته باشند. کودکان و نوجوانان حتی به خواب بیشتری احتیاج دارند. و برخلاف این باور که نیاز ما به خواب با افزایش سن کاهش می‌یابد، بیشتر افراد مسن همچنان به حداقل ۷ ساعت خواب نیاز دارند. از آنجایی که بزرگسالانی که سن بالاتری دارند با خوابیدن به این مدت در طول شب مشکل دارند، چرت‌زدن‌های کوتاه طی روز می‌تواند این خلأ را پر کند.

۲۲- گزینه ۳ موضوع اصلی متن چیست؟ «میزان خوابی که انسان‌ها نیاز دارند.»

۲۳- گزینه ۴ طبق متن تعداد ساعت مناسب برای خواب برای افراد «دقیقاً یک اندازه نیست.»

۲۴- گزینه ۲ منظور نویسنده از «این میزان» در پاراگراف اول چیست؟ «شش یا هفت ساعت خواب»

۲۵- گزینه ۴ نویسنده احتمالاً با کدام عبارت زیر بیشتر می‌تواند موافق باشد؟ «به‌طور کلی کودکان و نوجوانان به بیش از ۷ الی ۹ ساعت خواب در روز نیاز دارند.»

پاسخ آزمون ۱۸

۱- گزینه ۳ ترجمه جمله: «دوچرخه‌ام به سرقت رفته است! می‌خواهم به پلیس زنگ بزنم.»

توضیح: فعل "steal" به معنای «دزدیدن» متعدی است و چون مفعول بعد از آن به کار نرفته است، وجه جمله مجهول است. گزینه‌های (۳) و (۴) مجهول هستند. گزینه (۴) شکل مجهول زمان گذشته استمراری است که به لحاظ معنایی در اینجا نادرست است.

۲- گزینه ۱ ترجمه جمله: «تا جایی که من می‌دانم، مونالیزا توسط لئوناردو داوینچی نقاشی شد.»

توضیح: اولاً، عمل طراحی و نقاشی «مونالیزا» در گذشته رخ داده و تمام شده؛ پس فعل گذشته ساده صحیح است. ثانیاً، اصطلاح "as far as I know" یعنی «تا جایی که من می‌دانم». باین اصطلاح در بخش شنیداری درس ۲ دوازدهم، صفحه ۱۰۶ آشنا شدید: Zohreh: This weekend is my birthday. I have invited everyone but Mina.

- ۲۴- گزینه ۱ طبق متن، پنجره‌های دوجداره «بهره‌وری انرژی دارند.»
 ۲۵- گزینه ۲ واژه "pinpoint" در سطر ۵ به لحاظ معنایی به «شناسایی کردن» نزدیک است.

پاسخ آزمون ۲۶

۱- گزینه ۴ ترجمه جمله: «تمام کتاب‌هایی که درخواست شده بود را نداریم؛ داریم آن‌هایی را می‌فرستیم که در انبار موجود هستند.»
 توضیح: ضمیر موصولی "that" به ضمیر "those" اشاره دارد. در این تست یاد می‌گیرید ضمایر موصولی لزوماً همیشه بلافاصله بعد از اسم نمی‌آیند، بلکه می‌توانند بعد از یک ضمیر نیز به کار رفته و آن را توصیف کنند.

۲- گزینه ۳ ترجمه جمله: «اگر درمانی عملی برای سرطان پیدا می‌شد، امروز این همه بیمار نداشتیم.»

توضیح: فعل "develop" متعدی است و مفعول بعد از آن به کار نرفته است، بنابراین وجه جمله مجهول است. ضمناً جمله تست شرطی نوع دوم است و فقط زمان‌های گذشته در بخش جمله شرط قابل قبول هستند.

۳- گزینه ۳ ترجمه جمله: «بینندگان تلویزیون گاهی شگفت‌زده می‌شوند وقتی می‌فهمند برنامه‌های تاریخ طبیعی اغلب از سریال‌های عامه‌پسند یا فیلم‌ها به مراتب محبوب‌تر هستند.»

توضیح: مقایسه بین دو گروه "natural history programmes" و "soap operas or films" مطرح شده است، پس نیاز به صفت برتر داریم. توجه کنید که بعد از "a lot, far, much, a bit, a little" از صفت عالی استفاده نمی‌کنیم.

۴- گزینه ۱ ترجمه جمله: «طبیعی‌ترین چیدمان واژگان را انتخاب کنید: آیا سینما معمولاً یکشنبه‌ها باز است؟»

توضیح: جمله سؤالی با یک ضمیر پرسشی یا یک فعل (کمکی) آغاز می‌شود (دلیل رد گزینه (۲)). قید تکرار "usually" نیز قبل از صفت "open" به کار می‌رود. به جمله کتاب درسی یازدهم صفحه ۷۲ توجه کنید:

A gerund is always singular. (NOT A gerund is singular always.)
 صفت قید تکرار فعل to be

(Vision 2 – Page 72)

اسم مصدر همیشه مفرد است.

It is sometimes good to think about our body and how it works.
 صفت قید تکرار فعل to be

(Vision 1 – Page 50)

خوب است گاهی به بدنمان و اینکه چطور کار می‌کند فکر کنیم.

حالت خبری گزینه (۱) نیز به صورت زیر است:

The cinema is usually open on Sundays.

سینما معمولاً روزهای یکشنبه باز است.

۵- گزینه ۳ ترجمه جمله: «سمفونی نهم بتهوون اولین کنسرت از سری (کنسرت‌های) تالار کنسرت جدید خواهد بود.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) شعر / (۲) حس / (۳) سری / (۴) برجسب

series (n.)

سری، سریال

Have you seen Dr. Gharib TV series? (Vision 3 – Page 20)

سریال تلویزیونی دکتر قریب را دیده‌ای؟

آن‌ها پیش هم نوع مجروح و بیمار باقی خواهند ماند و حتی در صورت نیاز، با آوردنشان به سطح آب به آن‌ها کمک می‌کنند تا نفس بکشند. به نظر نمی‌رسد این نوع دوستی تنها به گونه‌های خودشان محدود شود.

دیده شده است که دلفین Moko نیوزیلندی، هدایت یک نهنگ عنبر ماده و بچه‌اش را برای خروج از آب‌های کم عمقی که در آن چندین بار به گل نشسته‌اند بر عهده گرفته است. همچنین دیده شده است که دلفین‌ها از شناگران در برابر کوسه‌ها محافظت می‌کنند، با حلقه‌وار شنا کردن در اطراف آن‌ها یا حمله به کوسه‌ها، تا بدین وسیله آن‌ها را مجبور به فرار کنند.

۱۸- گزینه ۴ بهترین عنوان برای متن کدام است؟ «رفتار اجتماعی دلفین‌ها.»

۱۹- گزینه ۲ طبق متن یک آبردسته «شامل صدها دلفین می‌شود.»

۲۰- گزینه ۴ در پاراگراف ۱، «این نوع دوستی» به چه معنی است؟ «کمک کردن دلفین‌ها به یکدیگر.»

۲۱- گزینه ۱ اشاره متن به دلفین Moko در راستای کدام مورد زیر است؟ «پشتیبانی از گفته پیشین.»

ترجمه متن ۲:

صرفه‌جویی در انرژی به معنای صرفه‌جویی در پول است. صاحب‌خانه‌ها و مستأجران این واقعیت ساده را می‌دانند، اما اغلب نمی‌دانند چه نوع اصلاحاتی در خانه‌ها و آپارتمان‌هایشان می‌توانند انجام دهند که موجب صرفه‌جویی شود.

برای آن‌هایی که مایلند مقداری پول و زمان صرف کنند (هزینه کنند) تا صرفه‌جویی انرژی بلندمدت به دست بیاورند، راهش ممیزی انرژی است. یک ممیز (کارشناس) انرژی به خانه شما می‌آید و کارایی انرژی آن را اندازه می‌گیرد. او قسمت‌هایی از خانه را که بیشترین مصرف انرژی دارند معین می‌کند و راه‌حلی برای پایین آوردن مصرف انرژی و هزینه‌ها پیشنهاد می‌دهد. مأمورین آموزش‌دیده انرژی می‌دانند دنبال چه بگردند و می‌توانند عیوب گوناگونی از جمله عایق‌بندی ناکافی، نقص یا عیب بنا یا توزیع نابرابر گرما را که ممکن است باعث هدررفت انرژی شود، شناسایی کنند.

اقدامات سریع‌تر و کم‌هزینه‌تری نیز وجود دارند که می‌توانند اتخاذ شوند. یک راه برای صرفه‌جویی پول، جایگزینی لامپ‌های فلورسنت به جای لامپ‌های پرمصرف است. این کار می‌تواند به صرفه‌جویی بیش از پنجاه درصدی در هزینه‌های ماهانه روشنایی شما بینجامد.

وقتی زمان تعویض دستگاه‌های قدیمی فرا می‌رسد، عاقلانه است اندکی بیشتر برای خرید یک مدل کارآمدتر خرج کنید و مطمئن شوید که همین حالا هم دارید از تنظیمات صرفه‌جویی انرژی روی یخچال، ماشین ظرفشویی، ماشین لباسشویی یا خشک‌کن‌تان بهره می‌برید.

پنجره‌ها فرصت دیگری برای کاهش هزینه‌های انرژی در اختیار می‌گذارند. درز پنجره‌های قدیمی‌تان را که ممکن است سوراخ و دارای نشئی باشند، بگیرید و پنجره‌های دوجداره انتخاب کنید اگر دارید (به ساختمان) پنجره جدید اضافه یا پنجره‌های قدیمی را تعویض می‌کنید.

بیشتر قسمت‌های خانه یا آپارتمان شما فرصت‌هایی را برای صرفه‌جویی در پول با انرژی در اختیار شما می‌گذارند. نتایج قابل ملاحظه هستند و کاملاً ارزش زحمت و تلاش را دارند.

۲۲- گزینه ۱ کدام یک از موارد زیر به بهترین شکل ایده اصلی متن را بیان می‌کند؟ «کارهای زیادی هست که یک صاحب خانه یا مستأجر می‌تواند انجام دهد تا در پول و انرژی خود صرفه‌جویی کند.»

۲۳- گزینه ۳ کدام یک از ایده‌های زیر در متن گنجانده نشده است؟ «شرکت برق منطقه‌ای شما به درخواست‌تان یک ممیز انرژی می‌فرستد.»

lead (v.) & leader (n.) هدایت کردن و هدایت‌کننده (رهبر)

When there are too many people trying to **lead** and give their opinions, it's confusing and leads to bad results. Jobs and projects should have one or two strong **leaders**. (Vision 3 – Page 84)

وقتی تعداد کسانی که تلاش می‌کنند **رهبری** و اظهارنظر کنند بیش از حد شود، باعث سردرگمی می‌شود و به نتایج بدی می‌انجامد. شغل‌ها و پروژه‌ها بایستی یک یا دو **رهبر** توانا داشته باشند.

lead (n.) خط مشی، روند

Other countries are likely to follow the U.S.'s **lead**.
کشورهای دیگر احتمال دارد **خط مشی** امریکا را دنبال کنند.

lead to (phr v.) انجامیدن، سبب شدن

A degree in English could **lead to** a career in journalism.
مدركی در زبان انگلیسی می‌تواند به شغلی در روزنامه‌نگاری **بینجامد**.

leadership (n.) رهبری

The next **leadership** election is due in November.
موعد انتخابات **آتی رهبری** در نوامبر است.

۱۰-گزینه ۴ ترجمه جمله: «ما درباره این مسئله بارها بحث کرده‌ایم، اما تا به اینجا نتوانسته‌ایم به راه‌حلی **برسیم**.»
ترجمه گزینه‌ها:

(۱) سردرآوردن (۲) انجامیدن (۳) تحمل کردن (۴) رسیدن

come up with (phr v.) رسیدن به

Gavin **came up with** the idea of dividing the rooms in half.
گاوین به ایده تقسیم اتاق‌ها به دو نیم **رسید**.

۱۱-گزینه ۱ ترجمه جمله: «به نظر من، برای یک طرح ملی این ایده‌ای **الهام‌بخش** است که در آن جوانان خود را وقف یک سال خدمات اجتماعی کنند.»
ترجمه گزینه‌ها:

(۱) **الهام‌بخش** (۲) ناآشنا (۳) مابعد، دیگر (۴) گم‌شده، مفقود

inspire (v.) الهام بخشیدن، تحریک کردن

We need someone who can **inspire** the team.
ما به کسی نیاز داریم که بتواند تیم را **تهییج** کند (به هیجان آورد).

inspiration (n.) الهام، منبع الهام‌بخش

Hafez is known to be the **inspiration for** many poets and authors around the world. (Vision 3 – Page 29)

حافظ شهره است به اینکه (منبع) **الهام** شاعران و نویسندگان زیادی در سرتاسر دنیا است.

inspirational (adj.) الهام‌بخش

Gandhi was an **inspirational** figure. گاندی شخصیتی **الهام‌بخش** بود.

inspiring (adj.) الهام‌بخش

She was an **inspiring** teacher and a gifted scientist.
او معلمی **الهام‌بخش** و دانشمندی با استعداد بود.

۱۲-گزینه ۴ ترجمه جمله: «تنها چند روز بعد از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، ژاپن از مبارزه **بدون هیچ قید و شرطی** دست می‌کشد و جنگ جهانی اول تمام می‌شود.»
ترجمه گزینه‌ها:

(۱) به ترتیب الفبایی (۲) به ویژه (۳) غیرمستقیم (۴) **بدون قید و شرط**

توضیح: به تست ۸ از آزمون شماره ۱۳ مراجعه کنید.

۶-گزینه ۲ ترجمه جمله: «این مرد جوان دفتر خاطرات روزانه **می‌نوشت** و با روزنامه‌ای مصاحبه کرد که در آن توضیح داد چطور به دین اسلام گرویده است.»
ترجمه گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) ساختن (۲) **نگه داشتن** (۳) متنفر بودن (۴) یادداشت کردن

diary (n.) دفتر خاطرات

I have **kept a diary** for twelve years. (Vision 3 – Page 23)
من دوازده سال است که **خاطراتم** را نوشته‌ام.

۷-گزینه ۲ ترجمه جمله: «او تمام مدتی که در بیمارستان بودم همراه ماند. **دوست آن است که گیرد دست دوست، در پریشان حالی و درماندگی**.»
ترجمه گزینه‌ها:

(۱) هر سری یک فکری (عقلی) دارد (۲) **دوست آن است که گیرد دست دوست، در پریشان حالی و درماندگی** (۳) دوسدگفته چون نیم کردار نیست / (۴) آشپز که دو تا شود، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک

Mehran: OK. If I were you, I would give him the money.

A friend in need is a friend indeed. (Vision 3 – Page 106)

مهران: باشد، اگر جای تو بودم، آن پول را به او می‌دادم. **دوست آن است که گیرد دست دوست، در پریشان حالی و درماندگی**.

توضیح: این ضرب‌المثل در مکالمه شماره ۲ صفحه ۱۰۶ کتاب درسی دوازدهم به کار رفته است. توجه کنید که تمامی لغات و اصطلاحات استفاده شده در بخش‌های شنیداری کتاب‌های درسی حائز اهمیت هستند. برای مطالعه فهرست کامل این بخش، به ضمیمه شماره ۱ انتهای همین کتاب مراجعه کنید.

۸-گزینه ۳ ترجمه جمله: «همان‌طوری که پدر گفت، ما **تعهد** داریم دنیا را بهتر از آنی که یافته‌ایم، ترک کنیم. او همین‌طور به ما یادآوری می‌کرد که در این زندگی دست‌بده داشته باشیم نه دست‌بگیر.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) نمونه، سرمشق (۲) آلودگی (۳) **تعهد، الزام** (۴) جهت

obligation (n.) تعهد، الزام

Asking about **obligations** (Vision 1 – Page 112)

پرسیدن درباره **تعهدات**

obligatory (adj.) الزامی

It is **obligatory** for companies to provide details of their industrial processes.

برای شرکت‌ها **الزامی** است که جزئیات فرایندهای صنعتی‌شان را ارائه دهند.

oblige (v.) موظف بودن

Many parents **feel obliged** to pay for at least part of the wedding.

خیلی از والدین **احساس می‌کنند موظفند** حداقل بخشی از هزینه جشن ازدواج را بپردازند.

۹-گزینه ۱ ترجمه جمله: «ریچارد لوو زمانی گفت اگر بگذاریم بچه‌هایمان ما را به جاهای خاص مورد نظرشان **هدایت کنند (ببرند)** می‌توانیم لذت و شگفتی طبیعت را از نو کشف کنیم.»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) **هدایت کردن، بردن** (۲) نصیحت کردن (۳) رحمت کردن، نعمت دادن /

(۴) غذا دادن

ترجمه کلوز تست:

ورزش به حرکتی اطلاق می‌شود که باعث شود ماهیچه‌های شما کار کنند و بدن شما را ملرم کند کالری بسوزاند. اگرچه برخی اشکال ورزش، از جمله **ورزش کردن** (۱۳) در منزلتان، شاید برای سلامتی شما خوب باشد، اما برای بچه‌هایتان ممکن است خوب نباشد. طبق (۱۴) گزارشات، هر ساله حدود ۲۵ هزار کودک در ایالات متحده به وسیله تجهیزات ورزشی آسیب می‌بینند (۱۵). دوچرخه و ورزشی رایج‌ترین علت آسیب (۱۶) است. خیلی از بچه‌ها انگشت پا یا دستشان را در چرخ‌های این دوچرخه‌ها از دست داده‌اند (۱۷). بنابراین، اگر دوچرخه ورزشی دارید، نایبستی به کودکانتان اجازه دهید با آن بازی کنند.

۱۳-گزینه ۲ توضیح: توجه کنید که "including" حرف اضافه است و بعد از حروف اضافه از اسم مصدر (gerund) استفاده می‌کنیم.

۱۴-گزینه ۴ ترجمه گزینه‌ها:

(۱) به دلیل (۲) ذیل، بعدی (۳) علاوه بر این (۴) طبق

The list of entries has been arranged **according to** the final letters of the words. (Vision 3 – Page 57)

فهرست مدخل‌ها طبق حرف آخر کلمات مرتب شده است.

۱۵-گزینه ۱ معنای گزینه‌ها در حالت مصدری:

(۱) آسیب رساندن (۲) خطر کردن (۳) دست کشیدن از، رها کردن (۴) هجوم بردن، شتافتن

۱۶-گزینه ۲ توضیح: ترکیب "cause of injury" به معنای «علت صدمه / جراحت» است.

۱۷-گزینه ۳ توضیح: یکی از کاربردهای زمان حال کامل، بیان عملی است که از زمانی در گذشته تا به امروز (شاید هم تا آینده) به طور پیوسته ادامه داشته است. طبق مفهوم متن، گزارشات حاکی از آن است که بچه‌های زیادی دست خود را در طی بازی با دوچرخه و چرخ آن از دست داده‌اند. توجه کنید که چون مفهوم جمله اشاره به عملی دارد که در حال حاضر در جریان است، گزینه (۱) قابل قبول نیست.

ترجمه متن ۱:

هم مردان و هم زنان بیشتر دارند عمر می‌کنند. اگرچه زنان به طور میانگین عمر طولانی‌تری دارند. به طور کلی، آن‌ها می‌توانند امید داشته باشند که شش تا هفت سال بیشتر از مردان زندگی می‌کنند. دلایل این موضوع هم بیولوژیکی و هم فرهنگی است. یک عامل بیولوژیکی مهم که کمک می‌کند زنان عمر بیشتری کنند، تفاوتی است که بین زنان و مردان در هورمون‌هایشان وجود دارد. هورمون‌ها موادی شیمیایی هستند که توسط بدن و برای کنترل کارکردهای مختلف آن تولید می‌شوند. زنان بین سنین ۱۲ تا ۵۰ سالگی، هورمون‌هایی تولید می‌کنند که در باروری دخیل است. این هورمون‌ها همچنین تأثیر مثبتی روی قلب و جریان خون دارند. در حقیقت، احتمال فشارخون بالا یا فوت به علت حمله قلبی در زنان کمتر است.

هورمون‌های زنانه به شکلی دیگر هم از بدن محافظت می‌کنند. آن‌ها به بدن کمک می‌کنند از خود برابر بعضی از انواع عفونت‌ها محافظت کند. این بدان معنی است که زنان عموماً کمتر و خفیف‌تر از مردان بیمار می‌شوند. سرماخوردگی معمولی مثال خوبی است: زنان به صورت میانگین کمتر از مردان سرما می‌خورند. زن‌های زنانه هم به زنان کمک می‌کند. دانشمندان هنوز مطمئن نیستند که زن‌ها دقیقاً چگونه روی پیر شدن تأثیر می‌گذارند، اما باور دارند که آن‌ها این کار را انجام می‌دهند. برخی فکر می‌کنند که سلول‌های بدن زنان نسبت به مردان تمایل کمتری به پیر شدن دارند. برخی دیگر فکر می‌کنند که سلول‌های بدن مردان گرایش بیشتری برای پیر شدن دارند. تحقیقات اخیر به نظر هر دو امکان را تأیید می‌کنند.

بافت فرهنگی نیز می‌تواند بر امید به زندگی در مردان و زنان تأثیر بگذارد (امید به زندگی، طول مورد انتظار زندگی یک فرد است). برای مثال، زنان عموماً کمتر از مردان سیگار می‌کشند.

عامل دیگری که روی زندگی زنان تأثیر گذاشته است نداشتن اضطراب است. اضطراب معروف است به اینکه از طول عمر کم می‌کند. تا چندی پیش، زنان شاغل معمولاً در پست‌های دارای فشار و مسئولیت کمتری فعالیت می‌کردند. در خانه، کارخانه کمک می‌کند زنان وضعیت فیزیکی بهتری از مردان داشته باشند. این وضعیت فیزیکی عموماً بهتر، خود عامل دیگری در بیشتر عمر کردن زنان است.

۱۸-گزینه ۳ متن در اصل از چه چیزی صحبت می‌کند؟ «دلایل اصلی این مسئله که چرا زنان به طور میانگین از مردان بیشتر عمر می‌کنند.»

۱۹-گزینه ۱ با توجه به متن، مردان نسبت به زنان با احتمال بیشتری «بر اثر بیماری‌های سخت مانند حمله قلبی جان خود را از دست می‌دهند.»

۲۰-گزینه ۲ واژه "they" در بند چهارم اشاره دارد به «زن‌ها».

۲۱-گزینه ۲ متن برای پاسخ به کدام سؤال زیر اطلاعات کافی در اختیار ما می‌گذارد؟ «دلیل اینکه زنان عموماً وضعیت فیزیکی بهتری نسبت به مردان دارند چیست؟»

ترجمه متن ۲:

اختراع لامپ رشته‌ای به دست توماس آلوا ادیسون در سال ۱۸۷۹ نیاز به سوخت ارزان و سهل‌الوصولی را ایجاد کرد که با آن حجم عظیمی نیروی برق تولید شود. زغال‌سنگ برای این هدف به نظر مناسب می‌آمد و سوخت اولین نیروگاه‌ها را تأمین می‌کرد (که در اواخر قرن نوزدهم توسط خود ادیسون راه‌اندازی شدند). با ساخته شدن نیروگاه‌های بیشتری در سراسر کشور، اتکا به زغال‌سنگ افزایش یافت. از زمان اولین جنگ جهانی، نیروگاه‌های با سوخت زغال‌سنگ منبع تأمین‌کننده نیمی از برقی به شمار آمده‌اند که هر سال در ایالات متحده تولید می‌شود. در سال ۱۹۸۶، چنین نیروگاه‌هایی ظرفیت ترکیبی تولید ۲۸۹ هزار مگاوات برق را داشتند و ۸۳ درصد از حدود ۹۰۰ میلیون تن زغال‌سنگ استخراج‌شده در آمریکا را در آن سال مصرف کردند. با توجه به عدم قطعیت درباره رشد انرژی هسته‌ای و منابع نفت و گاز طبیعی در آینده، نیروگاه‌های با سوخت زغال‌سنگ توانستند تا ۷۰ درصد نیروی برق ایالات متحده را تا پایان قرن تأمین کنند. با این حال، برخلاف این واقعیت که زغال‌سنگ مدت‌های مدیدی منبع برق بوده است و حتی ممکن است در سال‌های آینده هم باشد (زغال‌سنگ حدود ۸۰ درصد از ذخایر سوخت‌های فسیلی ایالات متحده را تشکیل می‌دهد)، در واقع هیچ‌گاه مطلوب‌ترین سوخت فسیلی برای نیروگاه‌ها نبوده است. زغال‌سنگ در هر واحد وزنی انرژی کمتری نسبت به گاز یا نفت طبیعی دارد، حمل و نقلش دشوار است و با مسائل زیست‌محیطی فراوانی مانند باران اسیدی مرتبط است. از اواخر دهه ۱۹۶۰، مشکلاتی همچون کنترل میزان انتشار و دفع پسماندها از اقبال نیروگاه‌های با سوخت زغال‌سنگ به شدت کاسته است. هزینه بهسازی این مشکلات زیست‌محیطی در کنار هزینه‌های فراینده ساخت تأسیساتی به بزرگی و پیچیدگی یک نیروگاه با سوخت زغال‌سنگ، چنین نیروگاه‌هایی را از دیدگاهی کاملاً اقتصادی از بورس انداخته است. هرچند، تغییرات در زیرساخت فناوریانه نیروگاه‌های با سوخت زغال‌سنگ می‌تواند جذابیت‌شان را به آن‌ها بازگرداند. با اینکه برخی از این تغییرات بنیادین هستند و هدفشان عمدتاً افزایش بهره‌وری نیروگاه‌های موجود است، ولی در عین حال فناوری‌های کاملاً نوینی هم برای تمیز سوزاندن زغال‌سنگ در حال شکل‌گیری هستند.

۲۲-گزینه ۱ ایده اصلی متن چیست؟ «نیروگاه‌های زغال‌سنگ منبع مهمی برای تولید برق در ایالات متحده هستند و به احتمال زیاد همین‌طور هم باقی خواهند ماند.»